

Inequality of Intergovernmental Transfer of Value Added Taxes

Mohammad Amin Fareghbal Khamene¹ | faregh@gsme.sharif.edu
Khalil Ahmadi² | kha.ahmadi1371@mail.sbu.ac.ir
Mohammad Hossein Rahmati³ | rahmati@sharif.edu

Received: 26/06/2021 | Accepted: 11/06/2022

Abstract In value-added tax law, it was decided to distribute a share of revenue across local municipalities. This intergovernmental tax is the source of income for many local municipalities in developed countries, and, among other purposes, aims to mitigate inequality across regions. Its allocation scheme has been amended annually in budgetary and permanent laws due to its significance. However, there is almost no study to examine the structure of such allotment and its consequences on regional disparity. This study benefits from administrative data to calculate the Gini coefficients of intergovernmental transfer across provinces and counties. The Gini coefficients across provinces are 0.64 and 0.61 in 2016 and 2017, respectively. In 2018, due to the change of distribution rules, it increased to 0.87, and it is expected that the new law will exacerbate inequality. The paper proposes new rules in a way that such transfer would function according to the needs and responsibilities of local municipalities.

Keywords: Intergovernmental Transfer, Regional Disparity, Value Added Taxed, Inequality, Local Tax, Local Government, Interregional Inequality.

JEL Classification: R51, I38, H77.

1. Ph.D. Student of Economics, Sharif University of Technology, Tehran, Iran.
2. M.A. in Economics, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
3. Associate Professor of Economics, Sharif University of Technology, Tehran, Iran, (Corresponding Author).

بررسی نابرابری در توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده و اثر آن بر ضریب جینی (۱۳۹۸-۱۳۹۵)^۱

محمدامین فارغبال خامنه | faregh@gsmc.sharif.edu

دانشجوی دکتری اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران.

خلیل احمدی | kha.ahmadi1371@mail.sbu.ac.ir

کارشناس ارشد اقتصاد، دانشگاه شهید بهشتی و کارشناس اقتصادی

بورس کالا، تهران، ایران.

محمدحسین رحمتی | rahmati@sharif.edu

دانشیار اقتصاد، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۰۵ | پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۲۱

چکیده: پس از تصویب قانون مالیات بر ارزش افزوده در سال ۱۳۸۷، مقرر شد که بخشی از درآمدهای آن تحت عنوان «عوارض ارزش افزوده» بین شهرداری‌ها و دهیاری‌ها توزیع گردد. سهم‌بری شهرداری‌ها و دهیاری‌ها از درآمدهای مالیاتی «درآمدهای انتقالی درون‌حاکمیتی» نامیده می‌شود، که در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، با هدف کاهش نابرابری منطقه‌ای، بخشی از بودجه دولت‌های محلی را تامین می‌کند. نحوه توزیع عوارض در سالیان مختلف هم در قوانین دائمی و هم در قوانین بودجه سنواتی به دلیل اهمیت همواره دستخوش تغییر بوده است. شایان اشاره است که نحوه و ساختار توزیع عوارض و اثر آن بر نابرابری بین منطقه‌ای از حیث دلالت‌های سیاستی واجد اهمیت است. این پژوهش با استفاده از داده‌های توزیع عوارض بین شهرستان‌ها (سامانه توزیع عوارض سازمان امور مالیاتی) نتیجه می‌گیرد که ضریب جینی توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده در سطح استانی در سال ۱۳۹۵، ۰/۶۴ بوده که با تغییر قانون توزیع در سال ۱۳۹۶ با اندکی بهبود به ۰/۶۱ رسیده است. در سال ۱۳۹۷ تغییرات محسوسی نسبت به سال ۱۳۹۶ نداشته است، اما سال ۱۳۹۸ با توزیع ناعادلانه‌تر عوارض مالیات بر ارزش افزوده مواجه بوده‌ایم، به طوری که ضریب جینی توزیع آن با اندکی افزایش به ۰/۶۷ رسیده است. پژوهش حاضر (۱) نشان می‌دهد که توزیع عوارض قانون جدید مالیات بر ارزش افزوده ناعادلانه است؛ (۲) بر اساس تخمین تصریح تابلویی بین‌استانی توزیع ناعادلانه عوارض موجب افزایش نابرابری درآمدی درون منطقه‌ای می‌شود؛ و (۳) پیشنهادهایی در جهت توزیع منصفانه‌تر عوارض ارائه می‌دهد و ضرورت اصلاح قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب سال ۱۴۰۰ را برجسته می‌کند.

کلیدواژه‌ها: انتقال درون‌حاکمیتی، توازن منطقه‌ای، عوارض، مالیات ارزش افزوده،

نابرابری، دولت‌های محلی، نابرابری بین منطقه‌ای.

طبقه‌بندی JEL: R51, I38, H77.

۱. پژوهش بخشی از پایان نامه دکتری نویسنده اول است.

مقدمه

در ادبیات سیاستگذاری اقتصادی به بخشی از درآمدهای دولت مرکزی که به دولت‌های محلی تخصیص می‌یابد، درآمدهای انتقالی درون‌حاکمیتی گفته می‌شود. توزیع سهم شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور از مالیات بر ارزش‌افزوده را که در قوانین داخلی «عوارض ارزش‌افزوده» نیز نامیده می‌شود، می‌توان مصداقی از پرداخت‌های درون‌حاکمیتی در ایران دانست. پس از تصویب قانون مالیات بر ارزش‌افزوده در سال ۱۳۸۷ مقرر گردید که ۱/۵ واحد درصد از ۳ درصد مالیات بر ارزش‌افزوده کالاها و خدمات عام بین شهرداری‌ها و دهیاری‌ها توزیع گردد. با افزایش تدریجی نرخ مالیات بر ارزش‌افزوده به ۹ درصد، سهم شهرداری‌ها و دهیاری‌ها نیز به ۳ درصد افزایش یافت. نیاز به اشاره است که سهم‌بری شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور از مالیات بر ارزش‌افزوده به کالاها و خدمات عام منحصر نیست و بخشی از درآمد مالیات بر ارزش‌افزوده کالاهای مستثنا از نرخ ۹ درصدی (مانند سیگار و دخانیات و بنزین) نیز به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها اختصاص می‌یابد. همچنین، با تصویب قانون دائمی مالیات بر ارزش‌افزوده در سال ۱۴۰۰ سهم شهرداری‌ها و دهیاری‌ها به ۴ واحد درصد (از ۹ درصد) برای کالاها و خدمات عام افزایش یافت، که در پژوهش حاضر مورد بحث قرار نمی‌گیرد. سازوکار توزیع عوارض بین شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور از زمان تصویب قانون در طی برنامه‌های پنجم و ششم توسعه پنج‌ساله دو تغییر مهم داشته است. تا پیش از برنامه پنجم، درآمدهای عوارض کالاها و خدمات عام دریافتی از هر شهرستان به شهرداری‌ها و دهیاری‌های همان محل تخصیص پیدا می‌کرد. در داخل حوزه شهری، عوارض ارزش‌افزوده به شهرداری همان محل، و مجموع عوارض وصولی از مناطق غیرشهری هر شهرستان به نسبت جمعیت، میان دهیاری‌های همان شهرستان تخصیص می‌یافت. با اجرای قانون برنامه پنجم توسعه، تمایز بین حریم شهری و غیرشهری برداشته شد، ولی کماکان مقرر شد که درآمدهای وصولی از هر شهرستان به نسبت جمعیت بین شهرداری‌ها و دهیاری‌های همان شهرستان توزیع گردد. در قانون برنامه ششم، سطح تجمیع عوارض از سطح شهرستان به استان تغییر کرد و مصوب شد که سهم شهرداری‌ها و دهیاری‌ها از مالیات بر ارزش‌افزوده هر استان، به نسبت جمعیت میان شهرستان‌ها توزیع گردد. یک نکته مهم در قانون برنامه ششم اعمال فرمولی واحد برای توزیع درآمد بین شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و مناطق عشایری، بدون توجه به بافت شهری - روستایی استان‌ها و شهرستان‌های مختلف کشور متکثری چون ایران است. قانون برنامه ششم مقرر می‌دارد که درآمدهای هر استان به نسبت ۷۰-۳۰ درصد بین شهرداری‌ها و دهیاری‌ها توزیع گردد. این در حالی است که نسبت جمعیت شهری-روستایی در استان قم ۹۵ به ۵ درصد، و در استان

سیستان و بلوچستان ۴۹ به ۵۱ درصد است و استفاده از فرمول واحد برای تسهیم درآمدها بین شهر و روستا برای استان‌ها و حتی شهرستان‌های کشور به ترکیب‌های متفاوتی از نابرابری بین شهر و روستا منجر می‌گردد. همچنین، ساختار متفاوت تولید در مناطق مختلف کشور دلیل دیگری از نابرابری توزیع عوارض ارزش افزوده در استان‌های کشور بوده است. از این لحاظ که با توجه به این که استان‌های شمالی و شمال غربی کشور به طور نسبی بخش کشاورزی بزرگ‌تری دارند و از آن‌جا که بخش کشاورزی معاف از مالیات بر ارزش افزوده است، سهم پایینی از این نوع عوارض دریافت می‌کنند. در طرف مقابل، استان‌های صنعتی دارای صنایع آلاینده (بوشهر و خوزستان) که مشمول عوارض جداگانه آلاینده‌گی نیز هستند، بیش‌ترین دریافتی عوارض مالیات بر ارزش افزوده را دارند.

با وجود این که در پژوهش‌هایی که اقتصاد ایران را مورد مطالعه قرار داده‌اند کمک‌های بودجه‌ای دولت به شهرداری‌ها (دولت‌های محلی) و نیز پیامدهای منطقه‌ای سیاست‌های بودجه‌ای دولت مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، ولی پیامدهای منطقه‌ای سیاست‌های بودجه‌ای دولت از مسیر درآمدهای انتقالی درون حاکمیتی به شهرداری‌ها مورد مطالعه جداگانه قرار نگرفته است. برای نمونه، یارمحمدیان و آقاجانی معمار (۲۰۱۴) به بررسی انواع کمک‌های بودجه‌ای دولت به شهرداری‌ها می‌پردازند، ولی پژوهش آن‌ها جنبه توصیفی و تحلیلی دارد و به آثار کمی کمک‌های بودجه‌ای دولت نمی‌پردازد. از سوی دیگر، به رغم وجود پژوهش‌هایی مانند ریسیپور و پژویان (۲۰۱۴)، که به بررسی نتایج منطقه‌ای سیاست‌های بودجه‌ای دولت (بهره‌وری نیروی کار) می‌پردازند، ولی پژوهش مستقلی که پیامدهای اقتصادی و اجتماعی سیاست‌های بودجه‌ای دولت را مورد مطالعه قرار دهد که از مسیر درآمدهای انتقالی به شهرداری‌ها بر شاخص‌ها و متغیرهای منطقه‌ای تاثیر می‌گذارد، در حد اطلاع نویسندگان موجود نیست. بنابراین، سهم پژوهش حاضر در ادبیات اقتصادی ایران، برقراری پیوند بین این دو حوزه و پاسخ به این شکاف در ادبیات است.

در این پژوهش، ابتدا به مرور ادبیات موضوع و تجربه جهانی در حوزه پرداخت‌های انتقالی درون حاکمیتی می‌پردازیم. در ادبیات سیاست‌گذاری اقتصادی، بحث می‌شود که در صورتی که پرداخت‌های دولت مرکزی به دولت‌های محلی به صورت بی‌قید و شرط باشد، و با ابزارهای مختلف بر بهره‌وری هزینه‌کردها نظارتی صورت نگیرد، نتایج مطلوبی نخواهد داشت. از سوی دیگر، اعمال محدودیت و قیود مختلف بر هزینه‌کردهای دولت‌های محلی نباید به تضعیف استقلال عمل آن‌ها منجر گردد، و برقراری تعادل بین این دو ضروری است. به منظور برقراری عدالت توزیعی بین مناطق مختلف، تخصیص یا در نظر گرفتن ظرفیت مالی دولت‌های محلی به برابری بیش‌تر در دسترسی

شهروندان مناطق مختلف به خدمات پایه عمومی منجر می‌گردد و در کنار آن از اثر سوء بر کاهش انگیزه دولت‌های محلی به منظور تجهیز منابع داخلی می‌کاهد. پس از مرور کوتاه بر ادبیات و تجربه جهانی، تحولات قوانین مربوط به توزیع عوارض مرور شده و در ادامه با تمرکز بر نابرابری توزیع، شیوه توزیع عوارض طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۵ با استفاده از داده‌های نرم‌افزار توزیع عوارض سازمان امور مالیاتی کشور مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش پنجم نیز با استفاده از شاخص ضریب جینی به تحلیل نتایج پژوهش پرداخته خواهد شد و در بخش آخر پیشنهادهایی برای بهبود شیوه توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده ارائه خواهد گردید.

مبانی نظری پژوهش و تجربه جهانی

درآمدهای انتقالی درون‌حاکمیتی بخشی از درآمدهای دولت‌های ملی هستند که به منظور تامین مالی دولت‌های محلی به آنان پرداخت می‌شوند. استفاده از این ابزار در کشورهای در حال توسعه رایج‌تر از کشورهای توسعه‌یافته است. حدود دوسوم مخارج دولت‌های محلی در کشورهای در حال توسعه و اقتصادهای در حال گذار و نزدیک به یک‌پنجم در کشورهای عضو OECD (Kitchen et al., 2019)، شامل ۲۹ درصد در کشورهای نوردیک و نزدیک به ۴۶ درصد در کشورهای اروپایی غیرنوردیک به این شیوه تامین مالی می‌شوند (Shah, 2006). در آمریکا برای سال مالی ۲۰۱۹ حدود ۷۵۰ میلیارد دلار از بودجه دولت فدرال به منظور کمک به دولت‌های محلی و ایالتی در نظر گرفته می‌شود که حدود یک‌سوم منابع دولت‌های ایالتی و بیش از نیمی از هزینه‌های آن‌ها را برای سلامت عمومی و تامین اجتماعی^۱ پوشش می‌دهد (Dilger, 2015). علاوه بر اهمیت سهم این درآمدها از مخارج دولت‌های محلی، سازوکار درآمدهای انتقالی درون‌حاکمیتی به دلیل آثار انگیزشی متفاوتی که در دولت‌های ملی و محلی ایجاد می‌کنند و تاثیراتشان بر ثبات اقتصاد کلان، عدالت توزیعی، کارایی تخصیصی، و سطح ارائه خدمات عمومی حائز اهمیت‌اند. در این مطالعات توصیه می‌شود در طراحی سازوکار پرداخت‌های انتقالی اهداف (۱) عدالت توزیعی میان مناطق مختلف؛ (۲) بهره‌وری هزینه‌کردها؛ (۳) انگیزش دولت‌های محلی برای تجهیز منابع؛ و (۴) استقلال عمل دولت‌های محلی به صورت جدی در نظر گرفته شود.

به‌طور کلی، می‌توان تامین مالی به این روش را در دو دسته غیرمشروط یا عام و مشروط یا هدفمند و اختصاصی تقسیم‌بندی کرد. پرداخت‌های غیرمشروط به عنوان کمک به تامین بودجه

عمومی دولت‌های محلی پرداخت می‌شوند. بسیاری از این پرداخت‌ها در چارچوب برنامه‌های اشتراک درآمد عمومی^۱ صورت می‌گیرند و هدف اصلی آن‌ها تامین کسری بودجه دولت‌های محلی است. استفاده از سازوکارهای فرمول پایه در توزیع این درآمدها در کشورهای مختلف رایج است و شواهد تجربی نشان می‌دهند که اتکای بیش از حد بر این روش، سازوکارهای انگیزه‌تجهیز منابع از محل پایه‌های درآمدی در دسترس دولت محلی را کاهش می‌دهند (Shah, 1991).

از سوی دیگر، پرداخت‌های غیرمشروط به دو دسته کلی هزینه‌کرد مبنای^۲ و خروجی‌مبنای^۳ تقسیم می‌شوند. شیوه موسوم به اشتراک درآمد عمومی^۴ یکی از رایج‌ترین منابع تامین مالی بودجه دولت‌های محلی در کشورهای مختلف دنیاست که عموماً یا محدودیتی بر نوع هزینه‌کرد منابع اعمال نمی‌کنند یا توأم با محدودیت‌های بسیار حداقلی و غیرموثر پرداخت می‌شوند. از آنجایی که در بیشتر سازوکارهای اشتراک درآمد عمومی، فرمول تسهیم منابع به موجب قانون معین شده است، و طبق روال به صورت تقریباً خودکار صورت می‌گیرد، دولت‌های مرکزی قدرت بسیار محدودی برای نظارت و ارزیابی هزینه‌کردهای دولت‌های محلی دارند (Dilger, 2015).

در هزینه‌کرد مشروط ممکن است حداقل یا حداکثری برای مصارف جاری یا سرمایه‌ای لحاظ شود یا دولت محلی ملزم شود که درآمدهای انتقالی را به مصرف حوزه خاصی مانند حمل‌ونقل عمومی برساند، ولی در سازوکار دیگر، انتقال درآمد مشروط به تحقق هدف خاص در ارائه خدمات (مانند افزایش کاربران حمل‌ونقل عمومی) می‌شود. نوع هدفگذاری به صورت انجام پروژه‌های خاص یا تحقق هدفی مشخص در ارائه خدمات بر میزان استقلال عمل دولت‌های محلی موثر است. در صورتی که هدفگذاری خروجی مبتنی بر تحقق هدف مشخصی باشد و شیوه تحقق به دولت‌های محلی واگذار شود، استقلال عمل آن‌ها بیش‌تر حفظ می‌گردد. تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که هرچه پرداخت‌های انتقال مشروط بر تحقق خروجی مشخصی باشند، اثرگذاری بیش‌تری دارند.^۵

۱. برای نمونه در ایران، شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در درآمد مالیات بر ارزش افزوده اشتراک دارند.
2. Input-Based Conditionality
3. Output-Based Conditionality
4. General Revenue Sharing
۵. برای نمونه، در جدول (۱) گزارش دیلگر (۲۰۱۵) مرکز پژوهشی کنگره (Congressional Research Service) انواع مختلف پرداخت‌های انتقالی درون حاکمیتی در آمریکا دسته‌بندی شده است.

توزیع بین دولت‌های محلی مختلف

معکوس ظرفیت مالی سرانه و تامین حداقل خدمات اولیه جزو ملاک‌های رایج در میان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته برای توزیع درآمدهای انتقالی درون حاکمیتی هستند. کارکرد اصلی این ملاک‌ها برقراری رابطه بین نیازهای اهالی یک دولت محلی و کسری منابع آن دولت برای تامین آن نیازهاست تا برابری در دسترسی به حداقل خدمات بین مناطق مختلف یک کشور برقرار شود. ظرفیت مالی یک دولت محلی تابعی از ابزارهای درآمدی در دسترس است و بسته به شیوه توزیع قدرت عوارض‌گیری بین دولت مرکزی و دولت محلی متفاوت است. برای برآورد حداقل خدمات اولیه، سازوکارهای مختلفی در کشورها پیاده‌سازی شده است. برخی از سازوکارها، سطحی از خدمات اولیه را توسط دولت مرکزی، از بالا به پایین، مشخص می‌کنند و پرداخت به صورت هدفمند به دولت‌های محلی، به منظور تحقق آن‌ها صورت می‌گیرد. در شیوه دیگر که در کشورهای حوزه نوردیک رایج‌تر است، به عملکرد هزینه‌ای گذشته دولت محلی در حوزه‌های مختلف، در کنار عوامل دیگر، وزنی نسبت داده می‌شود، تا اولویت‌های دولت محلی در تخصیص منابع نیز لحاظ گردد. در **جدول (۱)**، شیوه رایج پرداخت‌های انتقالی درون حاکمیتی در چند کشور و اهداف ایجاد انتقال منابع درون حاکمیتی بیان شده است.

جدول ۱: پیشینه پژوهش و اهداف توزیع درآمدهای درون حاکمیتی

کشور	توضیح
در کانادا دولت‌های محلی (شهرداری‌ها و دهیاری‌ها) زیرمجموعه استان‌ها قرار می‌گیرند. حدود ۱۶ درصد هزینه شهرداری‌ها و دهیاری‌ها و ۲۵ درصد هزینه‌های دهیاری‌ها از بودجه استانی تامین می‌شود (سه‌م بیش‌تری از بودجه دهیاری از استان تامین می‌شود). حدود ۲۰ درصد درآمد انتقالی به صورت اشتراک درآمد عمومی در اختیار دولت‌های محلی قرار می‌گیرد و مابقی صرف امور هدفمند می‌شوند. بیش‌تر استان‌ها بر مبنای «ظرفیت مالی سرانه» عدالت توزیعی بین مناطق را برقرار می‌کنند. پرداخت‌های هدفمند کانادا صرف تحقق هدف حداقل استاندارد خدمات تعریف شده (حمل‌ونقل شهری و بین‌جاده‌ای، مدارس، خدمات اجتماعی، و محیط‌زیست) می‌شود. هزینه‌های مربوط به حمل‌ونقل جاده‌ای برحسب طول جاده‌ها و کمک‌هزینه برای نیروهای انتظامی برحسب تعداد خانوار پرداخت می‌شود. پرداخت به مدارس نیز بر مبنای تعداد دانش‌آموز صورت می‌گیرد. بیش‌تر استان‌ها برای شهرداری‌ها و دهیاری‌ها سازوکار متفاوتی دارند و در استان نیو برونزویک، دولت‌های محلی به شش گروه تقسیم می‌شوند و برای هر کدام سازوکار برنامه مجزایی برقرار است (Shah, 1994; Slack, 2007).	

ادامه جدول ۱: پیشینه پژوهش و اهداف توزیع درآمدهای درون حاکمیتی

کشور	توضیح
نوردیک ^۱	دولت‌های محلی عمدتاً به منابع داخلی خود متکی هستند و در حوزه‌های مشخصی مانند آموزش، بهداشت، خدمات و تحقق برابری مالی بین مناطق از دولت مرکزی کمک دریافت می‌کنند. حوزه خدماتی که دولت‌های محلی ارائه می‌کنند وسیع است و دولت‌های واسطه بین دولت مرکزی و دولت‌های محلی در صورت وجود بسیار محدود است. دولت‌ها به شیوه‌های مختلف از مناطق ثروتمند به مناطق کم‌درآمدتر توزیع انجام می‌دهند. پرداخت‌ها عمدتاً صرف امور هدفمند و برحسب ضریب تقاضای محلی برای خدمات عمومی مشخص می‌شود. برای نمونه در فنلاند، دولت هزینه عمومی بر بهداشت، رفاه، آموزش، تفاوت شهر/ روستا را بالاتر از ۶۵ درصد میانگین کشوری در نظر می‌گیرد (Junghum Jorgen, 2008).
برزیل	دولت‌های محلی از دو طریق پرداخت مستقیم از دولت فدرال با واسطه صندوق مشارکت شهرداری‌ها ^۲ و برنامه اشتراک درآمد با ایالت‌ها کمک دریافت می‌کنند. در برنامه صندوق، شهرها به چند طبقه مختلف تقسیم می‌شوند و پرداخت‌ها با فرمول‌هایی که جمعیت و معکوس درآمد سرانه را در نظر می‌گیرند بین آن‌ها توزیع می‌شوند. در برنامه مشارکت، درآمد ۵۰ درصد از مالیات املاک روستایی، ۱۰۰ درصد مالیات حقوق و دستمزد کارکنان شهرداری‌ها، ۷۰ درصد مالیات طلا، ۲/۳ درصد درآمدهای نفت خام، و ۶۰ درصد مالیات برق‌آبی و منابع معدنی را برحسب محل استقرار دریافت می‌کنند. علاوه بر این، مطابق با قانون اساسی، ۲۵ درصد مالیات ارزش‌افزوده ایالتی به شهرداری‌ها بازگردانده می‌شود. توزیع مابقی توسط سنای فدرال مشخص می‌شود و بدین صورت است که دست‌کم ۷۵ درصد باید به شهرداری محل اخذ مالیات بازگردد؛ برای توزیع مابقی بین ایالت‌های مختلف قاعده‌های مجزایی وجود دارد. جمعیت و سهم شهرداری‌ها از درآمدهای استان عوامل عمده‌ای هستند که در توزیع لحاظ می‌شوند. ^۳ دولت‌های محلی از شماره‌گذاری وسایل موتوری ۵۰ درصد نیز سهم می‌برند (Shah, 1991).
چین	نظام مالیاتی و شیوه تمرکززدایی در چین بسیار پیچیده و یکی از نمونه‌های مهم در این ادبیات موضوع است. به‌طور خلاصه، دولت مرکزی و استان‌ها درآمدهای مالیاتی را بین خود تقسیم می‌کنند و دولت‌های محلی به‌طور مستقیم با دولت مرکزی در ارتباط مالی قرار ندارند و رابطه مالی بین دولت‌های استانی با مناطق تحت حوزه استحقاقی آن‌ها برقرار است که بسته به استان‌های مختلف قواعد بین آن‌ها برقرار است. طراحی نظام مالیاتی چین به‌گونه‌ای است که استان‌ها انگیزه دارند با سیاستگذاری برای توسعه استان از درآمدهای مالیاتی ناشی از توسعه پایه مالیاتی برخوردار شوند (Shah, 2014).

۱. در این پژوهش به کشورهای دانمارک، فنلاند، نروژ، و سوئد کشورهای حوزه نوردیک گفته می‌شود.

2. Municipal Participation Fund

۳. لازم به یادآوری است که برزیل یکی از نابرابرترین کشورها از نظر توزیع منطقه‌ای زیرساخت‌ها و خدمات است.

ادامه جدول ۱: پیشینه پژوهش و اهداف توزیع درآمدهای درون حاکمیتی

کشور	توضیح
اندونزی	درآمدهای انتقالی دولت مرکزی ۹۰ درصد درآمد دولت‌های محلی در سطوح (استانی، شهری، و محلات) را تامین می‌کنند. اولاً نسبت مشخصی از درآمدهای مالیاتی مختلف (درآمد، املاک، منابع طبیعی تجدیدناپذیر) به مناطق منشأ درآمد بازمی‌گردند. حدود ۲۰ درصد درآمد دولت‌های محلی بدین صورت تامین می‌شود. ثانیاً، ممکن است درآمد برخی از بخش‌ها کفاف هزینه‌های آن‌ها را ندهد. به منظور پوشش شکاف مالی بین مناطق مختلف، ظرفیت مالی مناطق با فرمول‌هایی برآورد می‌شود و با ترکیبی از شاخص‌های کلان (سطح توسعه انسانی، تولید ناخالص منطقه‌ای، و نرخ باسوادگی) هزینه‌های مورد نیاز مناطق تخمین زده می‌شود و برای پوشش شکاف پرداخت‌هایی صورت می‌گیرد. حدود ۴۶ درصد درآمد دولت‌های محلی بدین صورت تامین می‌شود. ثالثاً، بخش دیگری از هزینه‌ها صرف زیرساخت‌هایی می‌شوند که هرچند در حیطه مسئولیت دولت‌های محلی هستند، اما به دلیل اهمیت بالای ملی آن‌ها، دولت محلی مستقیماً وارد تامین مالی آن‌ها می‌شود. کمک به توسعه مناطق کم‌تر توسعه یافته یا مناطقی که ظرفیت مالی بسیار محدود و در کنار آن زیرساخت‌های ضعیفی دارند، از دیگر موارد این پرداخت‌ها هستند (Shah, 2012; Shah et al., 2012).
	پرداخت‌ها به دولت‌های محلی برحسب فرمول بسیار پیچیده‌ای توزیع می‌شود که هزینه خدمات آفریقای اولیه (آب، برق، و...) بر مبنای جمعیت و نسبت گروه‌های نابرخوردار از خدمات مذکور و هزینه اجرایی و مدیریتی مورد نیاز برای حکمرانی محلی را به همراه برخی شاخص‌های تعدیل‌گر بین دولت‌های محلی مختلف در نظر می‌گیرد (Bodway Shah, 2007; 2009).

نکته قابل توجه در مقایسه تجربه جهانی اهمیت کارکرد بازتوزیعی مالیات در جهت حفظ توازن منطقه‌ای است. همچنین، پوشش سطحی از خدمات اولیه موضوع دولت‌های محلی نیز در نظر گرفته می‌شود، که به‌طور کلی در ایران نادیده گرفته شده است. در نتیجه، بخش مهمی از ادبیات به ارزیابی اثرگذاری کاهش نابرابری به دلیل انتقالات درون حاکمیتی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه مانند ایران پرداخته است. برای مثال ییلس^۱ (۲۰۱۵)، نشان می‌دهد که انتقالات با هدف رفاهی به دولت‌های محلی موجب کاهش چشمگیر نابرابری و عدم توازن بین منطقه‌ای می‌شود. در مقابل، در مورد کشور پرو مطالعات نشان می‌دهد که قواعد تقسیم بین دولت‌های محلی نامتوازن است و موجب افزایش نابرابری می‌شود (Aragón Gayoso, 2005). در میانه دو اثر فوق، کشور اندونزی مشاهده می‌شود که یک درصد انتقال درآمد به استان‌های ثروتمند موجب افزایش نابرابری به میزان ۰/۶۸ درصد و انتقال درآمد مشابه به استان‌های فقیر موجب کاهش ۱/۰۶ درصدی نابرابری می‌شود (Kim Samudro, 2017). عمده این پژوهش‌ها از داده‌های خرد بودجه خانوار برای محاسبه نابرابری استفاده کرده‌اند و برخی نیز مانند پژوهش حاضر از داده‌های بودجه ایالتی بهره برده‌اند.

مروری بر مواد قانونی ناظر بر توزیع عوارض

به موجب ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده مصوب (۱۳۸۷)^۱، مقرر شد بخشی از درآمدهای مالیات بر ارزش افزوده به شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور اختصاص یابد که سهم شهرداری‌ها و دهیاری‌ها تحت عنوان «عوارض ارزش افزوده» شناخته می‌شود و یکی از منابع مهم درآمدی شهرداری‌هاست. در **جدول (۲)**، درآمدهای شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور موضوع قانون مالیات بر ارزش افزوده (مصوب ۱۳۸۷) ذکر شده است. به جز عوارض حمل و نقل برون شهری مسافر، و عوارض سالیانه انواع خودرو که مستقیماً توسط شهرداری محل وصول می‌شود و فرایند توزیع را طی نمی‌کند، سهم شهرداری‌ها و دهیاری‌ها از باقی درآمدها فرایند توزیع را طی می‌کند که مسئول توزیع (سازمان امور مالیاتی یا وزارت کشور) در **جدول (۲)** مشخص شده است. شایان اشاره است که به جز دو موردی که مستقیماً توسط شهرداری محل وصول می‌گردد، و عوارض واردات که توسط گمرک اخذ می‌شود، مسئولیت وصول باقی درآمدها بر عهده سازمان امور مالیاتی است.

جدول ۲: درآمدهای شهرداری‌ها و دهیاری‌ها از قانون مالیات بر ارزش افزوده (مصوب ۱۳۸۷)

موضوع	ماده قانونی	مسئول توزیع
کالاها و خدمات عام مشمول مالیات بر ارزش افزوده	بند (الف) ماده (۳۸)	امور مالیاتی
سیگار و دخانیات	بند (ب) ماده (۳۸)	تمرکز وجوه وزارت کشور
بنزین و سوخت هواپیما	بند (ج) ماده (۳۸)	تمرکز وجوه وزارت کشور
نفت سفید، نفت گاز، نفت کوره	بند (د) ماده (۳۸)	تمرکز وجوه وزارت کشور
واحدهای تولیدی آلاینده (آلایندگی)	تبصره (۱) ماده (۳۸)	امور مالیاتی
شماره گذاری وسایط نقلیه	بند (ج) ماده (۳۸)	امور مالیاتی
حمل و نقل برون شهری مسافر	بند (الف) ماده (۴۳)	مستقیم (شهرداری محل)
عوارض سالیانه انواع خودرو	بند (الف) ماده (۴۳)	مستقیم (شهرداری محل)
عوارض واردات	تبصره (۳) ماده (۴۱)	تمرکز وجوه وزارت کشور

منبع: قانون مالیات بر ارزش افزوده (مصوب ۱۳۸۷)^۲

۱. ماده ۳۸ مقرر می‌دارد: نرخ عوارض شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در رابطه با کالا و خدمات مشمول این قانون، علاوه بر نرخ مالیات موضوع ماده (۱۶)، به این شرح تعیین می‌گردد: الف. کلیه کالاها و خدمات مشمول نرخ ماده (۱۶) این قانون، یک‌ونیم درصد؛ ب. انواع سیگار و محصولات دخانی، سه درصد؛ ج. انواع بنزین و سوخت هواپیما، ده درصد؛ و د. نفت سفید و نفت گاز، ده درصد و نفت کوره، پنج درصد.

2. <https://qavanin.ir/Law/TreeText/120409>

در طی مدت زمان اجرای قانون، نحوه توزیع درآمدهای موضوع قانون بین شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور تغییراتی داشته است که پیامدهای آن با تاکید بر نابرابری توزیع، موضوع این پژوهش است. بازه پژوهش از سال ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ است و درآمدهایی که توسط سازمان امور مالیاتی بین شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور توزیع شده‌اند، بررسی خواهند شد. در ادامه، قوانین و دستورالعمل‌های توزیع عوارض در طی مدت اجرای قانون مرور می‌شوند.

سازوکار توزیع در اولین قانون مصوب (۱۳۸۷)، نه فقط عوارض وصولی هر شهرستان را به همان‌جا تخصیص داده می‌شد، بلکه بین عوارض وصولی داخل حریم شهر و خارج آن تفکیک قائل می‌شد، به‌نحوی که ۲۰ درصد کلان‌شهرها (شهرهای بالای یک میلیون جمعیت) بر اساس شاخص جمعیت، ۶۰ درصد سایر شهرها بر اساس شاخص کم‌تر توسعه‌یافتگی و جمعیت، و ۲۰ درصد دهیاری‌ها بر اساس شاخص جمعیت توزیع می‌گردید. با تصویب قانون برنامه پنجم توسعه تمایز بین درآمدهای وصولی از داخل و خارج حریم شهر برداشته می‌شود و در هر شهرستان به نسبت جمعیت بین شهرداری‌ها و دهیاری‌های همان شهرستان توزیع می‌گردد.

در قانون برنامه ششم توسعه^۱ (۱۴۰۰-۱۳۹۶) و به‌ویژه در بند (ب) ماده (۶) نحوه توزیع عوارض ارزش‌افزوده تعیین تکلیف شده است. در این بند آمده است که عوارض به نسبت ۷۰ درصد شهرها و ۳۰ درصد روستاها و مناطق عشایری و بر اساس شاخص جمعیت به حساب شهرداری‌ها و دهیاری‌ها واریز می‌گردد. پس این سال به صورت سالانه تسهیم عوارض تغییر کرده است. در قانون برنامه بودجه ۱۳۹۶ مطابق جزء ۲ بند (و) تبصره (۶)، حکم بند (ب) ماده (۳۹) قانون مالیات بر ارزش‌افزوده تنفیذ شد، ولی از سال ۱۳۹۷، بند (ب) ماده (۶) قانون برنامه ششم توسعه جایگزین تسهیم سابق شد. علاوه بر این، در تهران که نسبت جمعیت شهری به روستایی بسیار بالاست، در قوانین بودجه سنواتی ۱۳۹۷، ۱۳۹۸، و ۱۳۹۹ احکامی متفاوت مقرر شد، به‌نحوی که شهر تهران ۸۸ درصد و روستاهای شهرستان ۱۲ درصد باشد. در **جدول (۳)**، مراحل تغییرات توزیع عوارض بر ارزش‌افزوده و میزان نسبت توزیع آن در مناطق شهری و روستایی در گذر زمان به صورت خلاصه بیان گردیده است.

1. <https://qavanin.ir/Law/TreeText/257240>

جدول ۳: خلاصه قوانین توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده در گذر زمان

سال	شرح
۱۳۹۵	توزیع عوارض وصولی موضوع بند (الف) و تبصره (۱) ماده (۳۸) در هر شهرستان به نسبت جمعیت بین شهرداری‌ها و دهیاری‌های همان شهرستان انجام می‌گرفت. همچنین، عوارض بندهای (ب)، (ج)، و (د) ماده (۳۸)، عوارض واردات، و عوارض شماره‌گذاری نیز به حساب تمرکز وجوه وزارت کشور واریز و برحسب سازوکار معین‌شده در تبصره (۲) ماده (۳۹) قانون مالیات بر ارزش افزوده (مصوب ۱۳۸۷) توزیع می‌شود.
۱۳۹۶	عوارض بند (الف) موضوع ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده به حساب تمرکز وجوه استان نزد خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شد و به نسبت ۷۰ درصد شهرها و ۳۰ درصد روستاها و مناطق عشایری و بر اساس شاخص جمعیت به حساب شهرداری‌ها و دهیاری‌ها واریز می‌گردید. سایر بندهای ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش افزوده، گاز طبیعی، و شماره‌گذاری، عوارض به حساب تمرکز وجوه به نام وزارت کشور نزد خزانه‌داری کل کشور واریز می‌شد و با نسبت ۱۲ درصد سهم کلان‌شهرها، ۵۳ درصد سایر شهرها، و ۳۵ درصد روستاها و مناطق عشایری بر اساس شاخص‌های مصوب محاسبه و توزیع می‌گردید.
۱۳۹۷	توزیع عوارض ماده (۳۸)، همانند سال ۱۳۹۶ بوده، تنها بر اساس قانون بودجه توزیع عوارض بند (الف) در تهران و شهرهای مشابه به صورت ۸۸ درصد شهری و ۱۲ درصد روستایی بوده است.
۱۳۹۸	توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده بدون تغییر همانند سال قبل بوده است.

عملکرد توزیع عوارض

در ایران بازگشت درآمدهای مالیات ارزش افزوده هر استان به همان استان، به عنوان یکی از شیوه‌های توزیع تجربه شده است. به این موضوع از چند جهت نقد وارد است: مالیات بر ارزش افزوده نهایتاً از مصرف‌کننده نهایی اخذ می‌شود، ولی اخذ آن در زنجیره ارزش افزوده صورت می‌گیرد.^۱ با توجه به این‌که ارتباط یک به یکی بین مصرف‌کننده نهایی و زنجیره کالاها و خدمات وجود ندارد، نمی‌توان استدلال کرد که مالیات پرداختی مصرف‌کننده نهایی هر استان صرف همان استان می‌گردد. برای توضیح بهتر، مطابق **جدول (۴)** این موضوع را در کشوری فرضی تصور کنید که نرخ ۵ درصد از کالاها و خدمات مالیات بر ارزش افزوده اخذ می‌شود. در مثال فرضی، گندم معاف از مالیات

۱. برای سادگی، در بحث از اصابت مالیاتی به زنجیره‌های میانی و شیوه عملکرد سازمان امور مالیاتی صرف نظر می‌کنیم.

ارزش افزوده است و کارخانه آردسازی بدون پرداختی برای مالیات نهاده‌ها، گندم را تبدیل به آرد می‌کند و به قیمت ۱۰۰ تومان به نانوا می‌فروشد و بابت این معامله ۵ تومان به سازمان امور مالیاتی پرداخت می‌کند. نانوا با استفاده از آرد نان می‌پزد و آن را به ۳۰۰ تومان می‌فروشد، و ۱۵ تومان بابت مالیات فروش نان به سازمان مالیاتی پرداخت می‌کند و سازمان مالیاتی ۵ تومان بابت خرید نهاده‌ها به او بازمی‌گرداند. مغازه‌دار خرده‌فروش نیز به‌طور مشابه عمل می‌کند. نهایتاً تمامی ۲۵ تومان مالیات بر ارزش افزوده را مصرف‌کننده نهایی می‌پردازد، ولی با ملاک قرار گرفتن «محل استقرار» به عنوان منشأ درآمد مالیاتی، واحدهای زنجیره ارزش افزوده می‌توانند در مناطقی غیر از محل پرداخت مالیات بر ارزش افزوده توسط مصرف‌کننده نهایی واقع شده باشند، ولی استان‌های محل استقرار آن‌ها از مواهب بازتوزیعی مالیات پرداختی آن‌ها بهره‌مند شوند.

جدول ۴: سازوکار اخذ مالیات بر ارزش افزوده در مثال فرضی

فروش		۵ درصد مالیات فروش مالیات خرید نهاده‌ها خالص پرداختی	
آردسازی	۱۰۰ تومان	۵ تومان	۵ تومان
نانوا	۳۰۰ تومان	۱۵ تومان	۱۰ تومان
مغازه‌دار	۵۰۰ تومان	۲۵ تومان	۱۰ تومان
ارزش افزوده پرداختی توسط مصرف‌کننده نهایی		۲۵ تومان	۲۵ تومان

با توجه به این‌که صنایع کشاورزی معاف از مالیات ارزش افزوده است، استان‌های مبتنی بر کشاورزی سهم نامتناسب‌تری از توزیع درآمد بین شهرداری‌ها و دهیاری‌ها می‌برند و در مقابل استان‌های دارای صنایع نفتی، که مشمول نرخ مالیات آلاینده‌گی مازاد بر سایر صنایع نیز هستند، از درآمدهای بسیار بیش‌تری برخوردار می‌شوند.

عملکرد توزیع عوارض استانی

برای تحلیل نحوه توزیع عوارض میان مناطق مختلف کشور از داده‌های سازمان امور مالیاتی در چهار سال متوالی از ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ استفاده شده است. در این پژوهش از داده‌های توزیع عوارض موضوع بند (الف) ماده (۳۸) و آلاینده‌گی برای سال ۱۳۹۵، و برای بقیه سال‌ها علاوه بر عوارض مذکور، توزیع عوارض گاز طبیعی و شماره‌گذاری بین شهرداری‌ها، دهیاری‌ها، و فرمانداری‌ها (برای روستاهایی که دهیاری‌ها ندارند) استفاده شده است.

از سوی دیگر، همان‌گونه که در بخش قبلی مورد اشاره قرار گرفت، یکی از عوامل مهم در بهره‌مندی از عوارض، با توجه به قوانین ناظر بر توزیع، ترکیب جمعیتی شهری - روستایی هر استان است. پس از داده سرشماری سال ۱۳۹۵ نیز برای استخراج ترکیب جمعیتی استان‌ها استفاده شده است. در این بخش، ابتدا آخرین وضعیت عملکرد توزیع عوارض بین شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور در سال ۱۳۹۸ بررسی شده است.

در سال ۱۳۹۸، استان‌های تهران، خراسان رضوی، اصفهان، فارس، و خوزستان پرجمعیت‌ترین استان‌های کشور و استان‌های ایلام، سمنان، کهگیلویه و بویراحمد، خراسان جنوبی، و خراسان شمالی کم‌جمعیت‌ترین استان‌ها بوده‌اند. با توجه آمار به‌دست‌آمده از سازمان امور مالیاتی بیش‌ترین میزان عوارض پرداختی مربوط به استان‌های تهران (۷ هزار میلیارد تومان)، خوزستان (۳/۷ هزار میلیارد تومان)، و بوشهر (۱/۶ هزار میلیارد تومان) و نیز کم‌ترین میزان پرداختی به استان‌های ایلام (۶۱ میلیارد تومان)، کهگیلویه و بویراحمد (۸۲ میلیارد تومان)، خراسان شمالی (۸۶ میلیارد تومان) صورت گرفته است. از شاخص‌ترین استان‌هایی که عوارض دریافتی آن‌ها با جمعیت‌شان تطابق ندارد، می‌توان به استان بوشهر اشاره کرد که رتبه ۲۳ جمعیتی و رتبه ۳ عوارض دریافتی را میان استان‌های کشور دارد. علاوه بر استان گازخیر بوشهر، استان صنعتی مرکزی نیز با رتبه ۱۹ جمعیتی، جایگاه هشتم را بین دریافت‌کنندگان عوارض دارد. از سوی دیگر، استان‌های کشاورزی مانند آذربایجان غربی و مازندران که به‌ترتیب رتبه ۸ و ۷ جمعیتی را دارند، به‌ترتیب در رتبه ۱۷ و ۱۴ دریافت‌کنندگان عوارض قرار می‌گیرند. در **جدول (۵)**، علاوه بر عوارض واریزی و جمعیت استان‌ها، درصد شهرنشینی و روستانشینی استان‌ها نیز موجود است که نشان‌دهنده متفاوت بودن درصد شهرنشینی و روستانشینی در استان‌های مختلف کشور است. پس اجرای قانون یکسان ۷۰-۳۰ برای تمامی استان‌ها نشان از ناعادلانه بودن توزیع عوارض در سطح استان‌های کشور است. در بخش‌های بعدی، در مورد چگونگی پرداختی عوارض به صورت سرانه در سطح استان‌ها، در سطح شهرستان و نیز در بُعد شهری و روستایی، و نیز این‌که آیا عوارض پرداختی در سطح کشور به شیوه عادلانه‌ای توزیع گردیده است یا نه، پرداخته خواهد شد.

در **جدول (۵)**، عملکرد سرانه کل عوارض توزیعی سازمان امور مالیاتی برای استان‌های کشور طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ نشان داده شده است. در سال ۱۳۹۵، استان‌های تهران، بوشهر، و مرکزی با به‌ترتیب ۳۵۳، ۲۷۴، و ۲۱۶ هزار تومان دریافت‌کننده بیش‌ترین سرانه کل عوارض توزیعی بوده‌اند و در طرف مقابل، استان‌های لرستان و سیستان و بلوچستان با ۴۱ هزار تومان و استان کردستان با ۵۱

هزار تومان کم‌ترین سرانه کل را دریافت کرده‌اند. میانگین سرانه کل کشوری نیز ۱۴۲ هزار تومان بوده است. استان تهران حدود ۲/۵ برابر میانگین سرانه کل کشور و بیش از ۸/۵ برابر استان‌های لرستان و سیستان و بلوچستان عوارض دریافت کرده است که این بیانگر توزیع ناعادلانه بین استان‌ها در سال ۱۳۹۵ است. نیاز به یادآوری است که به دلیل در دسترس نبودن آمار مربوط به عوارض پرداختی به دهیاری‌های استان خوزستان، ۱۵۳ هزار تومان فقط مربوط به سرانه عوارض توزیعی شهری است و نیز همچنین، به دلیل نبود داده‌های آلاینده‌های توزیعی بین شهرداری‌ها و دهیاری‌های استان بوشهر، رتبه‌بندی سال ۱۳۹۵ بدون لحاظ عوارض آلاینده‌های توزیعی در سطح استان بوشهر است و با توجه به این که شهرستان عسلویه در سه سال دیگر بالاترین میزان آلاینده‌های توزیعی را دریافت کرده است، انتظار می‌رود جایگاه واقعی استان بوشهر بالاتر از رتبه پنجمین باشد.

در سال ۱۳۹۶، استان‌های بوشهر، تهران، و خوزستان با به ترتیب ۳۹۶، ۳۲۱، و ۲۳۳ هزار تومان بیش‌ترین سرانه کل عوارض و استان سیستان و بلوچستان با ۴۲ هزار تومان و استان‌های ایلام و گلستان با ۴۸ هزار تومان کم‌ترین سرانه کل دریافتی را داشته‌اند و نیز سرانه کل کشوری ۱۳۷ هزار تومان بوده است. در این سال نیز توزیع سرانه کل عوارض در استان‌های کشور بسیار ناعادلانه بوده است، به طوری که اختلاف بین بیش‌ترین (بوشهر) و کم‌ترین (سیستان و بلوچستان) سرانه کل عوارض پرداختی در حدود ۹/۳ برابر واحد بوده است. همان‌طور که قابل مشاهده است، استان بوشهر به لحاظ عوارض آلاینده‌های توزیعی در رتبه اول قرار گرفته است.

در سال ۱۳۹۷ نیز همانند سال ۱۳۹۶ استان‌های بوشهر، تهران، و خوزستان بیش‌ترین سرانه کل عوارض توزیعی را دریافت کرده‌اند که میزان آن به ترتیب ۶۰۰، ۴۲۶، و ۳۳۹ هزار تومان بوده است و استان‌های سیستان و بلوچستان، لرستان، و گلستان با به ترتیب ۵۴، ۶۱، و ۶۲ هزار تومان کم‌ترین دریافتی را داشته‌اند. تفاوت بین سرانه کل دریافتی استان بوشهر (بیش‌ترین) و سیستان و بلوچستان (کم‌ترین) بیش از ۱۱ برابر بوده است. میانگین سرانه کل کشوری نیز ۱۴۸ هزار تومان بوده است. در سال ۱۳۹۸ استان بوشهر با سرانه کل یک میلیون و ۴۰۰ هزار تومان، که نسبت به سال ۱۳۹۷ رشد ۲/۳ واحد برابری داشته است، بیش‌ترین دریافتی را داشته است و استان‌های خوزستان و تهران در رتبه‌های دوم و سوم به ترتیب ۷۸۸ و ۵۳۳ هزار تومان دریافت کرده‌اند. در طرف مقابل، استان‌های سیستان و بلوچستان، گلستان، و آذربایجان غربی با به ترتیب ۵۲، ۶۳، و ۶۵ هزار تومان کم‌ترین میزان سرانه کل عوارض توزیعی را دریافت کرده‌اند. میانگین سرانه کل کشوری نیز ۲۷۸ هزار تومان بوده است.

در سال ۱۳۹۸ نیز میزان عوارض پرداختی به استان‌های کشور به شکل ناعادلانه‌ای توزیع گردیده است، به طوری که استان بوشهر با سرانه ۷۵۶ هزار تومان بیش از ۵ برابر واحد میانگین سرانه کل کشوری و بیش از ۲۷ برابر استان سیستان و بلوچستان عوارض پرداخت کرده است. در حالت کلی، در هر چهار سال (۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸) مجموع عوارض موضوع بند (الف) ماده (۳۸) شماره‌گذاری، گاز طبیعی، و آلاینده‌گی توزیعی بین استان‌های کشور به شکل ناعادلانه‌ای توزیع گردیده است، به طوری که استان‌هایی که محل استقرار واحدهای صنعتی (مخصوصاً صنایع نفت و گاز) هستند و استان‌های برخوردارتر که مصرف بالاتری دارند، عوارض بالاتری دریافت کرده‌اند و نیز به دلیل این‌که بسیاری از صنایع بزرگ کشور (مانند نفت و گاز) جزو صنایع آلاینده هستند و عوارض آلاینده‌گی بین شهرستان‌ها تحت تاثیر آن توزیع می‌گردد، سرانه عوارض استان‌های صنعتی مانند بوشهر و خوزستان تفاوت بسیاری با میانگین کشوری پیدا کرده است. برعکس استان‌های کشاورزی کشور (مانند استان‌های شمالی و غربی کشور)، به دلیل این‌که بخش کشاورزی معاف از مالیات ارزش افزوده است، در مقایسه با استان‌هایی با درآمد استان‌هایی با درآمد مشابه، کم‌تر است. این تفاوت در استان‌های لرستان و گلستان به وضوح قابل مشاهده است. بنابراین، یکی از عوامل مهم در نابرابری توزیع عوارض بین استان‌های کشور، تعریف عوارض بر اساس مالیات بر ارزش افزوده است. چرا که غالب درآمد استان‌هایی که سهم پایینی از عوارض توزیعی دارند از تولیدات کشاورزی است، که معاف از مالیات و عوارض است. البته در استان محرومی مانند سیستان و بلوچستان که در هیچ یک از دو دسته بالا قرار ندارد نیز به دلیل پایین بودن مصرف افراد، مالیات بر ارزش افزوده پایین بوده و نیز میزان عوارض توزیعی در آن بسیار پایین‌تر از میانگین سرانه کشوری بوده است، به طوری که میانگین سرانه کل کشوری عوارض توزیعی ۱۴۱ هزار تومان بوده است، در حالی که میانگین چهار سال سرانه کل استان سیستان و بلوچستان ۳۶ هزار تومان بوده است که بیان می‌کند میانگین سرانه کل کشوری در حدود ۳/۸ برابر سرانه کل سیستان و بلوچستان بوده است.

جدول ۵: سرانه عوارض مالیات بر ارزش افزوده به تفکیک استان از ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ (تومان)

استان	۱۳۹۵	استان	۱۳۹۶	استان	۱۳۹۷	استان	۱۳۹۸
تهران	۳۵۳/۳۳۵	بوشهر	۳۹۶/۱۹۳	بوشهر	۶۰۰/۴۶۵	بوشهر	۱/۴۰/۳۳۵
بوشهر	۲۷۴/۵۲۳	مرکزی	۲۱۸/۴۴۴	تهران	۴۲۵/۵۶۵	هرمزگان	۳۷۷/۶۰۳
مرکزی	۲۱۵/۸۶۱	تهران	۳۲۱/۳۵۴	خوزستان	۳۳۹/۱۵۹	خوزستان	۷۸۷/۹۰۶
اصفهان	۱۶۹/۴۹۱	خوزستان	۲۳۲/۶۱۵	هرمزگان	۳۱۴/۳۳۶	تهران	۵۳۳/۰۴۷
یزد	۱۶۹/۱۶۲	سمنان	۲۲۴/۵۷۱	مرکزی	۳۰۴/۳۸۴	مرکزی	۴۵۰/۳۶۶
قزوین	۱۵۷/۸۲۵	یزد	۱۹۸/۳۸۵	یزد	۲۷۵/۴۳۷	کرمان	۳۴۱/۱۴۷
خوزستان	۱۵۱/۸۹۴	هرمزگان	۱۹۳/۷۱۸	کرمان	۲۶۴/۴۴۶	اصفهان	۳۲۵/۹۱۹
البرز	۱۳۶/۹۴۳	قزوین	۱۸۴/۵۴۶	اصفهان	۲۲۴/۸۵۰	یزد	۲۷۹/۰۸۸
زنجان	۱۳۴/۷۲۸	کرمان	۱۷۰/۴۴۱	زنجان	۱۹۴/۳۸۹	زنجان	۲۶۸/۵۴۳
سمنان	۱۳۳/۳۹۹	اصفهان	۱۶۶/۰۳۵	سمنان	۱۸۷/۰۰۴	سمنان	۲۲۷/۸۰۸
کرمان	۱۲۴/۲۰۶	زنجان	۱۴۷/۲۰۶	قزوین	۱۷۵/۲۱۸	قزوین	۲۰۷/۸۶۶
هرمزگان	۱۲۳/۶۹۱	البرز	۱۴۰/۲۰۸	کهگیلویه و بویراحمد	۱۶۲/۲۲۱	البرز	۱۶۶/۸۱۱
فارس	۱۰۱/۴۱۸	کهگیلویه و بویراحمد	۱۰۲/۰۱۲	البرز	۱۴۸/۳۸۳	آذربایجان شرقی	۱۳۴/۷۲۴
خراسان رضوی	۸۴/۳۴۹	آذربایجان شرقی	۹۰/۷۷۰	آذربایجان شرقی	۱۲۹/۱۲۹	خراسان رضوی	۱۳۳/۴۳۷
آذربایجان شرقی	۸۲/۵۰۱	فارس	۷۶/۱۹۹	خراسان جنوبی	۱۲۷/۷۵۳	کردستان	۱۲۹/۷۷۹
گیلان	۷۹/۹۲۰	گیلان	۷۵/۵۲۰	فارس	۹۸/۴۷۲	فارس	۱۲۸/۱۴۵
مازندران	۷۶/۷۱۴	مازندران	۷۴/۱۳۳	چهارمحال و بختیاری	۹۷/۴۹۷	خراسان جنوبی	۱۲۰/۴۸۷
آذربایجان غربی	۷۵/۶۹۰	قم	۷۳/۶۰۷	ایلام	۹۵/۷۹۸	کهگیلویه و بویراحمد	۱۱۶/۱۸۹
خراسان شمالی	۶۳/۷۹۴	خراسان رضوی	۷۱/۴۵۰	خراسان رضوی	۹۳/۴۸۶	قم	۱۱۵/۳۱۶
خراسان جنوبی	۶۱/۴۳۸	خراسان جنوبی	۷۰/۱۳۰	خراسان شمالی	۹۲/۲۵۵	ایلام	۱۰۵/۳۸۱
ایلام	۶۱/۳۶۵	اردبیل	۶۹/۸۲۲	گیلان	۹۲/۲۵۰	چهارمحال و بختیاری	۱۰۲/۰۷۴
چهارمحال و بختیاری	۶۰/۳۷۹	خراسان شمالی	۵۹/۱۰۳	مازندران	۸۸/۴۴۱	خراسان شمالی	۹۹/۸۴۳

ادامه جدول ۵: سرانه عوارض مالیات بر ارزش افزوده به تفکیک استان از ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ (تومان)

استان	۱۳۹۵	استان	۱۳۹۶	استان	۱۳۹۷	استان	۱۳۹۸
قم	۵۷/۶۶۳	چهارمحال و بختیاری	۵۶/۴۶۸	کرمانشاه	۸۶/۷۲۲	کرمانشاه	۸۹/۷۳۰
همدان	۵۷/۰۵۰	کردستان	۵۴/۵۶۴	قم	۸۶/۰۰۳	مازندران	۸۶/۰۷۰
کهگیلویه و بویراحمد	۵۵/۳۴۵	همدان	۵۳/۲۱۶	همدان	۸۴/۴۸۲	گیلان	۸۵/۱۷۱
کرمانشاه	۵۵/۱۰۴	آذربایجان غربی	۵۱/۸۷۰	کردستان	۸۳/۳۷۴	اردبیل	۷۴/۱۹۹
اردبیل	۵۱/۹۹۲	کرمانشاه	۵۰/۳۷۴	اردبیل	۷۶/۰۳۶	همدان	۷۲/۴۶۰
گلستان	۵۱/۱۶۷	لرستان	۴۸/۹۳۰	آذربایجان غربی	۶۲/۴۷۹	لرستان	۶۶/۲۸۸
کردستان	۵۰/۵۸۴	گلستان	۴۸/۱۱۸	گلستان	۶۱/۶۰۳	آذربایجان غربی	۶۵/۰۸۸
سیستان و بلوچستان	۴۰/۷۸۵	ایلام	۴۸/۰۸۸	لرستان	۶۰/۵۷۹	گلستان	۶۳/۱۶۴
لرستان	۴۰/۶۹۰	سیستان و بلوچستان	۴۲/۵۲۵	سیستان و بلوچستان	۵۳/۷۲۸	سیستان و بلوچستان	۵۱/۵۹۷
میانگین کشوری	۱۴۲/۴۷۰	میانگین کشوری	۱۴۷/۹۶۲	میانگین کشوری	۱۹۶/۹۴۵	میانگین کشوری	۲۷۸/۰۴۹

منبع: مجموع عوارض موضوع بند (الف) ماده (۳۸) شماره گذاری، گاز طبیعی و آلاینده‌گی، سازمان امور مالیاتی کشور، و یافته‌های پژوهش

علاوه بر این، با محاسبه سرانه عوارض آلاینده‌گی توزیعی در سطح استان‌ها^۱ بر اساس سال ۱۳۹۸ در طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ مشاهده می‌شود که استان بوشهر با بیش‌ترین میزان سرانه عوارض آلاینده‌گی در رتبه اول قرار گرفته و تفاوت قابل‌توجهی با سایر استان‌ها داشته است. در سال ۱۳۹۸، عوارض آلاینده‌گی استان بوشهر ۶۷۸ هزار تومان بوده که این بیانگر اختلاف بیش از ۲۲/۴ برابر واحدی میانگین سرانه کشوری (۳۰ هزار تومان) است. سرانه عوارض مالیات بر ارزش افزوده پرداختی ۱۲ استان کشور کم‌تر از یک هزار تومان بوده است. نکته حائز اهمیت دیگر در این باره تغییر زیاد ۱۱/۴ واحدی سرانه عوارض آلاینده‌گی در استان بوشهر در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۵ بوده است.

۱. جدول مربوطه به دلیل محدودیت فضا در مقاله گنجانده نشده است. در صورت تقاضا از نویسنده مسئول در دسترس خواهد بود.

عملکرد توزیع استانی به تفکیک شهری و روستایی

همان‌طور که در بخش‌های قبل نیز بیان شد، در سال ۱۳۹۵ عوارض موضوع بند (الف) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش‌افزوده وصولی هر شهرستان، به موجب ماده (۱۳۲) قانون برنامه پنجم توسعه، به نسبت جمعیت بین شهرداری‌ها و دهیاری‌های همان شهرستان توزیع می‌شد. عوارض آلاینده‌گی نیز به شهرستان‌های تاثیرپذیرفته برحسب جمعیت بین شهرداری‌ها و دهیاری‌های همان شهرستان توزیع می‌شد. با اجرای قانون برنامه ششم توسعه از سال ۱۳۹۶، تغییر مهمی رخ داد و به موجب بند (ب) ماده (۶)، عوارض موضوع بند (الف) ماده (۳۸) قانون مالیات بر ارزش‌افزوده هر استان در سطح همان استان تجمیع می‌شد و به نسبت ۷۰ درصد شهرها و ۳۰ درصد روستاها و مناطق عشایری و بر اساس شاخص جمعیت به حساب شهرداری‌ها و دهیاری‌ها واریز می‌گردد. اما در قانون بودجه سال ۱۳۹۷، مفاد بند (ط) تبصره (۶) و در قانون بودجه ۱۳۹۸، مفاد جزء ۳ بند (ه) تبصره (۶)، و نیز در قانون بودجه ۱۳۹۹، جزء (۳) بند (د) تبصره (۶) در تهران و شهرستان‌های مشابه، که نسبت جمعیت شهری به روستایی بسیار بالاست، عوارض به صورت ۸۸ درصد در نقاط شهری و ۱۲ درصد در نقاط روستایی و عشایری توزیع می‌گردد.

در جدول (۶)، عوارض پرداختی به استان‌های کشور به تفکیک سرانه شهری و روستایی در طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۸ نشان داده شده است. در سال ۱۳۹۵، استان‌های تهران، بوشهر، و مرکزی با به ترتیب ۳۶۵، ۲۹۹، و ۲۲۱ هزار تومان بیش‌ترین سرانه عوارض شهری را دریافت کرده‌اند. در طرف مقابل، استان‌های لرستان، کردستان، و اردبیل با به ترتیب ۴۶، ۵۱، و ۵۴ هزار تومان کم‌ترین مقدار سرانه عوارض شهری دریافتی را داشته‌اند و نیز میانگین سرانه شهری کشور ۱۶۵ هزار تومان بوده است. این موضوع بیانگر آن است که استان‌های صنعتی و دارای صنایع آلاینده‌گی مالیات بر ارزش‌افزوده و عوارض آلاینده‌گی بالایی دریافت می‌کنند. استان‌های کشاورزی لرستان و کردستان به دلیل معافیت بخش کشاورزی از مالیات بر ارزش‌افزوده کم‌ترین سرانه شهری را دریافت کرده‌اند. استان‌های البرز، بوشهر، و مرکزی با به ترتیب ۲۲۴، ۲۱۲، و ۱۹۷ هزار تومان بیش‌ترین سرانه عوارض روستایی و استان‌های سیستان و بلوچستان، لرستان، و چهارمحال و بختیاری با به ترتیب ۲۹، ۳۱، و ۴۲ هزار تومان کم‌ترین میزان سرانه عوارض روستایی را دریافت کرده‌اند، همچنین میانگین سرانه روستایی کشوری ۷۷ هزار تومان بوده است.

در سال ۱۳۹۶، کل عوارض پرداختی به استان‌های کشور در حدود ۱۱/۸۱۸ هزار میلیارد تومان بوده است که ۷۰ درصد آن (معادل ۸/۳۲۲ هزار میلیارد تومان) به بخش شهری و ۳۰ درصد آن

(معادل ۳/۵۳۲ هزار میلیارد تومان) به بخش روستایی پرداخت گردیده است که با توجه به سرشماری سال ۱۳۹۵، در حدود ۷۴ درصد کل کشور شهرنشین و ۲۶ درصد روستانشین تقریباً با قانون ۷۰ درصد (شهری) و ۳۰ درصد (روستایی) مطابقت دارد. اما نکته مهمی که قبلاً نیز اشاره گردید، یکسان نبودن توزیع جمعیت شهری و روستایی در استان‌های کشور است. بیش‌ترین میزان سرانه عوارض شهری پرداختی مربوط به استان‌های بوشهر، هرمزگان، و تهران با به‌ترتیب ۳۷۵، ۲۵۱، و ۲۴۰ هزار تومان بوده و کم‌ترین سرانه عوارض شهری مربوط به استان‌های کرمانشاه، ایلام، و لرستان با به‌ترتیب ۴۶، ۴۸، و ۵۲ هزار تومان بوده است. همچنین، سرانه عوارض شهری کشوری برابر ۱۴۰ هزار تومان بوده است. استان‌های بوشهر، تهران، و خوزستان با به‌ترتیب یک میلیون و ۵۷۲، ۵۶۸، و ۴۶۰ هزار تومان بیش‌ترین سرانه عوارض روستایی را داشته‌اند و استان‌های سیستان و بلوچستان، گلستان، و خراسان شمالی با به‌ترتیب ۲۶، ۳۲، و ۴۳ هزار تومان کم‌ترین سرانه عوارض روستایی را دریافت کرده‌اند. میانگین سرانه کشوری عوارض روستایی نیز ۱۵۷ هزار تومان بوده است.

در سال ۱۳۹۷، استان‌های بوشهر، هرمزگان، و تهران با به‌ترتیب ۵۵۱، ۴۰۹، و ۳۸۹ هزار تومان بیش‌ترین سرانه عوارض شهری و استان‌های لرستان، آذربایجان غربی، و سیستان و بلوچستان با به‌ترتیب ۵۹، ۶۵، و ۷۰ هزار تومان کم‌ترین سرانه شهری را دریافت کرده‌اند. مناطق روستایی استان‌های تهران، بوشهر، و یزد با به‌ترتیب سرانه ۹۷۷، ۷۲۷، و ۵۵۷ هزار تومان بیش‌ترین سهم و مناطق روستایی سیستان و بلوچستان، گلستان، و آذربایجان با به‌ترتیب ۳۹، ۴۶، و ۵۸ هزار تومان سرانه کم‌ترین سهم را از عوارض توزیعی داشته‌اند.

در سال ۱۳۹۸، سرانه شهری استان‌های بوشهر، تهران، و خوزستان به‌ترتیب یک میلیون و ۳۱۰، ۷۷۵، و ۴۹۸ هزار تومان بیش‌ترین و سرانه شهری استان‌های لرستان، سیستان و بلوچستان، و آذربایجان غربی به‌ترتیب ۶۶، ۶۷، و ۶۸ هزار تومان کم‌ترین سرانه عوارض شهری را دریافت کرده‌اند. اما در بخش سرانه عوارض روستایی استان‌های بوشهر، تهران، و خوزستان به‌ترتیب یک میلیون و ۶۳۰، یک میلیون و ۷۰، و ۸۲۶ هزار تومان بیش‌ترین و استان‌های سیستان و بلوچستان، گلستان، و آذربایجان غربی به‌ترتیب ۳۷، ۴۷، و ۶۰ هزار تومان کم‌ترین سرانه عوارض شهری را دریافت کرده‌اند. با توجه به این‌که توزیع جمعیتی از لحاظ شهرنشینی و روستانشینی در همه استان‌ها یکسان نیست، بر اساس سرشماری ۱۳۹۵، در استان‌های سیستان و بلوچستان و گلستان ۵۱ و ۴۷ درصد جمعیت روستانشین هستند، در حالی که بر اساس قانون توزیع عوارض بر اساس قانون ۷۰ درصد شهری و ۳۰ درصد روستایی است. در طرف مقابل استان‌های قم، تهران، و البرز به‌ترتیب تنها ۵، ۶، و ۷ درصد

جمعیت روستایی دارند. پس توزیع عوارض نه تنها به صورت ناعادلانه در میان استان‌ها، بلکه در سطح مناطق شهری و روستایی استان‌ها نیز به شکل ناعادلانه‌ای توزیع گردیده است. هرچند که در واقعیت، میزان عوارض پرداختی در سطح خود استان‌ها نیز متناسب با قانون مد نظر ۷۰-۳۰ صورت نگرفته است، ولی با این حال با توجه به متفاوت بودن بافت شهری و روستایی استان‌ها، در نظر گرفتن یک قانون مشترک برای کل کشور تصمیم کاملاً نادرستی است (البته در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ توزیع عوارض برای تهران به صورت ۸۸ درصد شهری و ۱۲ درصد روستایی تغییر یافته است). برای مثال، در سال ۱۳۹۸ سرانه عوارض شهری استان البرز ۱۲۷ هزار تومان بوده است، در حالی که سرانه عوارض روستایی آن با ۶۶۲ هزار تومان بیش از ۵/۲ برابر سرانه شهری بوده است. در استان قم سرانه روستایی با ۷۳۰ هزار تومان حدود ۸/۷ برابر سرانه شهری ۸۴ هزار تومان بوده است. در طرف مقابل، سرانه عوارض شهری (۴۹۳ هزار تومان) استان هرمزگان بیش از دوبرابر سرانه روستا (۲۳۶ هزار تومان) بوده است. سرانه عوارض شهری استان سیستان و بلوچستان با ۶۶ هزار تومان حدود ۱/۸ برابر سرانه عوارض روستایی ۳۷ هزار تومان بوده است.

نابرابری شهر و روستایی (درون‌شهرستانی)

نسبت جمعیت شهری و روستایی نه تنها بین استان‌های مختلف متفاوت است، بلکه بین شهرستان‌های مختلف یک استان نیز تفاوت‌های قابل توجهی وجود دارد. استفاده از فرمول‌های ساده و واحد برای کل کشور می‌تواند به نابرابری‌های شایان توجهی بین شهرها و روستاها منجر گردد. توزیع عوارض درون استان نیز بسیار ناعادلانه است. برای مثال، در سال ۱۳۹۸ در سطح استان بوشهر، سرانه عوارض شهری شهرستان عسلویه ۹ میلیون و ۸۲۲ هزار تومان بوده است که نسبت به سرانه عوارض شهری شهرستان بوشهر با ۷۱۰ هزار تومان بیش از ۱۳/۸ برابر بوده است. در استان خوزستان نیز سرانه عوارض روستایی شهرستان بندر ماهشهر با یک میلیون ۶۸۳ هزار تومان اختلاف ۲/۶۷ برابر واحدی نسبت به سرانه عوارض روستایی شهرستان دشت آزادگان دارد. نمونه‌های دیگری از این قبیل باز در سال ۱۳۹۸ و نیز سال‌های دیگر به‌وضوح قابل مشاهده است. در جدول (۷)، پنج شهرستان دریافت‌کننده بالاترین و پایین‌ترین سرانه عوارض توزیعی را به تفکیک شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۸ نشان داده است.

جدول ۶: سرانه عوارض واریزی به تفکیک شهری و روستایی (تومان) - رتبه‌بندی بر اساس حروف الفبا

استان‌ها	۱۳۹۵		۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸	
	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی
آذربایجان شرقی	۹۰/۳۰۶	۶۲/۵۷۱	۸۸/۱۹۱	۹۷/۳۵۲	۱۲۴/۰۴۳	۱۴۲/۱۱۷	۱۳۰/۰۸۹	۱۴۶/۵۵۸
آذربایجان غربی	۷۸/۱۱۴	۷۱/۱۰۲	۵۵/۰۷۶	۴۵/۸۰۶	۶۵/۰۸۲	۵۷/۵۵۵	۶۷/۷۰۴	۶۰/۱۳۸
اردبیل	۵۳/۵۳۰	۴۸/۶۹۷	۷۰/۷۱۵	۵۷/۹۱۰	۷۳/۶۷۵	۸۱/۰۹۵	۷۲/۰۷۰	۷۸/۷۶۰
اصفهان	۱۷۱/۶۲۴	۱۵۳/۸۰۹	۱۳۹/۲۴۲	۳۶۳/۰۱۴	۲۰۱/۴۱۸	۳۹۷/۱۲۵	۲۷۸/۳۵۸	۶۷۵/۵۸۰
البرز	۱۳۰/۰۲۸	۲۲۴/۰۱۹	۱۰۶/۲۶۳	۵۶۷/۶۲۹	۱۲۳/۵۸۸	۴۶۰/۵۸۷	۱۲۷/۴۷۳	۶۶۲/۱۳۱
ایلام	۶۶/۴۲۲	۵۰/۵۲۶	۴۸/۳۶۶	۴۷/۴۹۴	۹۲/۰۰۰	۱۰۳/۹۱۱	۱۰۴/۲۸۸	۱۰۷/۷۲۴
بوشهر	۲۹۸/۷۷۲	۲۱۲/۲۴۶	۳۷۵/۴۹۵	۲۲۹/۳۵۲	۵۵۱/۳۱۵	۷۲۶/۶۹۵	۱/۳۱۰/۹۱۶	۱/۶۲۹/۹۸۵
تهران	۳۶۴/۸۶۱	۱۷۷/۱۵۷	۲۳۹/۵۲۱	۱/۵۷۲/۱۲۷	۳۸۹/۴۹۴	۹۷۶/۸۸۳	۴۹۷/۹۳۴	۱/۰۶۹/۷۳۵
چهارمحال و بختیاری	۷۰/۷۱۶	۴۱/۸۹۴	۶۰/۶۶۶	۴۸/۹۶۱	۱۰۰/۸۶۹	۹۱/۴۶۶	۱۰۷/۲۷۵	۹۲/۷۷۳
خراسان جنوبی	۶۷/۲۸۱	۵۳/۰۲۱	۸۰/۸۸۱	۵۴/۶۴۵	۱۴۱/۵۴۹	۱۰۷/۸۸۲	۱۳۴/۸۴۴	۹۹/۸۰۷
خراسان رضوی	۹۱/۱۹۴	۶۵/۷۸۲	۶۸/۳۲۹	۷۹/۹۱۷	۸۸/۹۷۳	۱۰۵/۷۲۸	۱۲۶/۲۵۱	۱۵۲/۲۷۷
خراسان شمالی	۶۷/۶۱۱	۵۸/۸۹۷	۷۱/۷۸۹	۴۲/۸۲۹	۱۰۶/۶۲۴	۷۳/۸۲۱	۱۱۷/۷۸۷	۷۶/۸۲۳
خوزستان	۲۰۱/۰۳۲	-	۲۱۹/۸۲۸	۲۷۲/۰۸۱	۳۳۸/۷۳۳	۳۴۰/۴۷۴	۷۷۵/۴۸۱	۸۲۶/۲۵۵
زنجان	۱۴۶/۴۲۵	۱۱۰/۷۰۷	۱۵۲/۷۳۲	۱۳۵/۸۵۷	۱۹۹/۸۵۴	۱۸۳/۱۶۴	۲۷۷/۶۱۷	۲۴۹/۹۰۷
سمنان	۱۴۳/۰۵۹	۹۵/۲۳۳	۱۹۶/۷۶۷	۳۳۴/۴۲۹	۱۶۷/۴۱۵	۲۶۴/۴۰۲	۱۹۹/۴۴۱	۳۳۹/۸۸۸
سیستان و بلوچستان	۵۳/۷۲۷	۲۸/۵۸۴	۵۹/۵۸۳	۲۶/۴۴۳	۶۹/۵۸۷	۳۸/۷۷۵	۶۶/۸۵۶	۳۷/۲۱۱
فارس	۱۰۴/۸۱۰	۹۳/۳۶۱	۷۵/۴۸۵	۷۷/۸۹۵	۱۰۰/۲۶۷	۹۴/۲۰۹	۱۲۸/۴۲۸	۱۲۷/۴۷۴
قزوین	۱۶۵/۲۳۵	۱۳۵/۸۸۶	۱۷۲/۶۵۵	۲۱۹/۷۵۱	۱۶۳/۴۳۹	۲۱۰/۰۹۰	۱۹۴/۱۵۱	۲۴۸/۴۷۰
قم	۵۷/۴۹	۵۷/۹۳۷	۵۳/۹۸۷	۴۶۰/۸۴۷	۷۵/۵۸۸	۲۹۱/۵۷۵	۸۴/۱۴۳	۷۳۰/۵۸۸
کردستان	۵۱/۱۹۶	۴۹/۱۰۴	۵۳/۵۷۹	۵۶/۹۴۷	۷۹/۲۶۵	۹۳/۳۱۶	۱۲۵/۰۸۵	۱۴۱/۱۳۵
کرمان	۱۴۹/۳۹۳	۸۸/۲۶۷	۱۹۸/۵۲۳	۱۳۰/۳۷۲	۳۰۸/۶۵۹	۲۰۱/۳۶۱	۳۹۸/۸۲۹	۲۵۸/۸۴۲

ادامه جدول ۶: سرانه عوارض واریزی به تفکیک شهری و روستایی (تومان) - رتبه‌بندی بر اساس حروف الفبا

استان‌ها	۱۳۹۵		۱۳۹۶		۱۳۹۷		۱۳۹۸	
	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی	شهری	روستایی
کرمانشاه	۵۶/۳۵۴	۵۱/۲۶۵	۴۶/۲۸۸	۶۲/۹۱۶	۷۷/۸۶۸	۱۱۳/۸۹۷	۸۰/۶۱۴	۱۱۷/۷۱۳
کهگیلویه و بویراحمد	۵۶/۴۱۴	۵۳/۹۹۳	۱۲۶/۸۰۰	۷۰/۶۳۷	۱۹۲/۳۳۰	۱۲۴/۱۱۰	۱۳۶/۰۵۴	۹۱/۰۴۳
گلستان	۵۶/۰۹۹	۴۵/۵۳۴	۶۱/۹۹۳	۳۲/۲۶۷	۷۵/۴۸۷	۴۵/۷۴۳	۷۷/۶۴۰	۴۶/۶۲۷
گیلان	۸۴/۸۲۸	۷۱/۴۴۰	۸۲/۶۴۸	۶۳/۲۰۱	۹۹/۱۱۳	۸۰/۳۹۰	۹۱/۶۰۰	۷۴/۰۶۰
لرستان	۴۶/۰۴۲	۳۰/۹۵۳	۵۱/۸۶۸	۴۳/۵۸۷	۵۹/۳۶۶	۶۲/۷۸۵	۶۵/۸۷۰	۶۷/۰۵۰
مازندران	۷۷/۱۹۶	۷۶/۰۵۶	۸۹/۰۹۲	۵۳/۶۶۱	۱۰۳/۹۷۵	۶۷/۱۸۲	۱۰۱/۲۰۴	۶۵/۳۵۹
مرکزی	۲۲۱/۵۶۲	۱۹۶/۸۴۲	۱۹۴/۷۴۶	۲۹۷/۴۹۲	۲۷۱/۶۶۹	۴۱۳/۵۱۱	۴۰۴/۵۴۹	۶۰۳/۱۹۸
هرمزگان	۱۳۰/۵۲۷	۱۱۵/۴۱۲	۲۵۰/۸۹۲	۱۲۴/۴۸۱	۴۰۸/۵۵۳	۲۰۰/۲۴۱	۴۹۳/۷۱۴	۲۳۶/۹۹۵
همدان	۵۸/۲۷۷	۵۴/۹۴۲	۵۸/۳۰۰	۴۴/۴۸۶	۹۲/۲۷۵	۷۱/۱۰۲	۷۷/۴۷۷	۶۳/۸۴۵
یزد	۱۶۶/۹۵۱	۱۸۲/۰۴۲	۱۶۴/۲۰۸	۳۹۷/۵۰۷	۲۲۷/۱۲۵	۵۵۶/۹۰۶	۲۳۱/۱۵۲	۵۵۸/۳۷۵
میانگین								
سرانه	۱۶۵/۴۶۰	۷۶/۸۷۴	۱۴۰/۰۹۳	۱۷۰/۴۱۴	۲۰۳/۵۰۳	۱۸۱/۷۵۲	۲۸۶/۱۲۲	۲۵۴/۹۵۹
کشوری								

منبع: مجموع عوارض موضوع بند (الف) ماده (۳۸) شماره‌گذاری، گاز طبیعی، و آلاینده‌گی، سازمان امور مالیاتی کشور، و یافته‌های پژوهش

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۷: پنج شهرستان دریافت کننده بیشترین و کمترین سرانه عوارض توزیعی به تفکیک شهری و روستایی طی سالهای ۱۳۹۵-۱۳۹۸ (تومان)

۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
شهری			
مهر- فارس	عسلویه- بوشهر	عسلویه- بوشهر	عسلویه- بوشهر
۱/۲۰۹/۸۴۲	۱/۰۴۵/۴۸۲	۲/۶۹۹/۰۶۱	۹/۸۲۲/۴۴۸
اشتهارد- البرز	کمیجان- مرکزی	بندر ماهشهر- خوزستان	کنگان- بوشهر
۱/۱۷۰/۱۸۳	۴۷۰/۹۲۹	۹۶۲/۰۹۵	۲/۵۴۴/۶۳۷
عسلویه- بوشهر	ری- تهران	شازند- مرکزی	بندر ماهشهر- خوزستان
۹۲۸/۶۳۹	۴۶۰/۵۰۲	۶۳۳/۱۷۷	۱/۶۶۱/۶۴۴
ری- تهران	دیلم- بوشهر	ری- تهران	کارون- خوزستان
۶۹۴/۴۰۰	۴۱۰/۱۷۱	۵۶۲/۹۰۸	۱/۳۱۴/۱۳۱
بندر ماهشهر- خوزستان	شازند- مرکزی	دیلم- بوشهر	شادگان- خوزستان
۶۸۲/۵۰۴	۴۰۹/۰۹۰	۵۴۸/۹۷۰	۱/۲۹۵/۰۷۳
میانگین شهری کشور	میانگین شهری کشور	میانگین شهری کشور	میانگین شهری کشور
۱۶۵/۴۶۰	۱۴۰/۰۹۳	۲۰۳/۵۰۳	۲۸۶/۱۲۲
بافق- یزد	کرمانشاه- کرمانشاه	ارومیه- آذربایجان غربی	ارومیه- آذربایجان غربی
۱۶/۲۳۲	۴۵/۱۵۲	۶۱/۲۳۵	۶۴/۶۸۰
رومشگان- لرستان	جوانرود- کرمانشاه	ماکو- آذربایجان غربی	خرمآباد- لرستان
۱۵/۵۷۱	۴۴/۹۰۹	۵۸/۱۹۹	۶۲/۴۵۱
دلگان- سیستان و بلوچستان	ثلاث باباجانی- کرمانشاه	بروجرد- لرستان	زابل- سیستان و بلوچستان
۱۳/۷۸۸	۴۴/۸۰۰	۵۷/۷۷۰	۶۱/۹۷۷
ریگان- کرمان	سرپل ذهاب- کرمانشاه	الیگودرز- لرستان	ماکو- آذربایجان غربی
۱۳/۴۴۰	۴۴/۶۲۹	۵۶/۷۴۹	۶۱/۶۸۰
آران و بیدگل- اصفهان	مهران- ایلام	خرمآباد- لرستان	زاهدان- سیستان و بلوچستان
۶/۵۷۲	۳۸/۵۹۱	۵۶/۰۹۳	۶۰/۲۳۴

ادامه جدول ۷: پنج شهرستان دریافت‌کننده بیش‌ترین و کم‌ترین سرانه عوارض توزیعی به تفکیک شهری و روستایی طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۸ (تومان)

۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
روستایی			
اشتهارد- البرز	تهران- تهران	تهران- تهران	عسلویه- بوشهر
۱/۲۵۳/۴۱۷	۱/۷۵۰/۱۵۷	۴/۰۰۵/۹۲۰	۵/۳۷۲/۲۰۱
مهر- فارس	قرچک- تهران	عسلویه- بوشهر	کنگان- بوشهر
۱/۱۴۳/۶۱۷	۱/۶۶۸/۷۵۲	۲/۱۷۱/۶۱۳	۲/۶۳۶/۶۳۰
عسلویه- بوشهر	اسلامشهر- تهران	بندر ماهشهر- خوزستان	بندر ماهشهر- خوزستان
۸۵۹/۲۰۴	۱/۶۶۴/۱۵۶	۱/۰۱۴/۹۳۰	۱/۶۸۳/۲۲۸
مبارکه- اصفهان	فیروزکوه- تهران	فیروزکوه- تهران	کارون- خوزستان
۶۶۵/۲۷۰	۱/۶۶۴/۱۲۰	۹۱۷/۳۶۵	۱/۳۳۱/۷۵۷
بندرلنگه- هرمزگان	شمیرانات- تهران	شمیرانات- تهران	هفتگل- خوزستان
۵۶۷/۱۴۳	۱/۶۶۱/۷۰۲	۸۹۸/۳۴۴	۱/۳۲۸/۱۰۳
میانگین روستایی کشور	میانگین روستایی کشور	میانگین روستایی کشور	میانگین روستایی کشور
۷۶/۶۹۵	۱۷۰/۴۱۴	۱۸۱/۷۵۲	۲۵۴/۹۵۹
رومشگان- لرستان	دلگان- سیستان و بلوچستان	قصرقند- سیستان و بلوچستان	قصرقند- سیستان و بلوچستان
۱۷/۸۱۴	۲۵/۸۷۲	۳۶/۹۵۹	۳۵/۲۳۳
دلفان- لرستان	قصرقند- سیستان و بلوچستان	مهرستان- سیستان و بلوچستان	فnoj- سیستان و بلوچستان
۱۷/۷۰۵	۲۵/۶۷۵	۳۶/۷۹۰	۳۴/۸۳۲
امیدیه- خوزستان	فnoj- سیستان و بلوچستان	ایرانشهر- سیستان و بلوچستان	سیبوسوران- سیستان و بلوچستان
۱۲/۱۰۶	۲۵/۶۵۲	۳۶/۵۶۲	۳۴/۸۲۸
زاهدان- سیستان و بلوچستان	مهرستان- سیستان و بلوچستان	سیبوسوران- سیستان و بلوچستان	ایرانشهر- سیستان و بلوچستان
۱۱/۷۵۲	۲۵/۵۵۶	۳۶/۱۸۷	۳۴/۷۷۴
آران و بیدگل- اصفهان	سیبوسوران- سیستان و بلوچستان	فnoj- سیستان و بلوچستان	دلگان- سیستان و بلوچستان
۷/۲۵۵	۲۵/۴۳۳	۳۵/۹۶۴	۳۴/۱۷۰

در شکل (۱ب)، میانگین سرانه عوارض توزیعی به هر شهرستان برای سه سال ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ به قیمت ثابت ۱۳۹۵ به صورت پنجگانه‌های درآمدی برای سرانه شهری، روستایی، و کل نشان داده شده است. مشخص است، در حالی که میانگین سرانه عوارض شهری برای سه سال از ۱۳۹۶ تا ۱۳۹۸ به قیمت ثابت ۱۳۹۵ برای استان قم جزو پنجگانه اول است، عوارض روستایی نظیر این استان جزو پنجگانه پنجم و با ۷۳۱ هزار تومان برای سال ۱۳۹۸ از بیش‌ترین برخورداران از عوارض محسوب می‌شود. علاوه بر عوارض از محل مالیات بر ارزش افزوده که به صورت استانی و بر اساس قواعد بودجه توزیع می‌شود، دولت نیز از محل سایر منابع برای هزینه‌های عمرانی (تملک دارایی سرمایه‌ای) و هزینه‌ای (جاری)، منابعی را در اختیار استان‌ها و از طریق شورای برنامه‌ریزی استانی قرار می‌دهد. جدول (۸)، سرانه پرداختی عوارض، هزینه تملک، و هزینه جاری را برای استان‌های مختلف ترسیم کرده است، که به‌وضوح نشان می‌دهد نحوه توزیع در قالب منابع بودجه‌ای در استان‌های کشور بسیار عادلانه‌تر است. برای مثال، متوسط سرانه هزینه جاری استان‌ها (در بودجه استانی) برابر ۱۳۸ هزار تومان در سال ۱۳۹۷ بوده است که برای استان ایلام (بیش‌ترین سرانه هزینه جاری استانی) حدود ۲/۷ برابر و برای استان تهران (کم‌ترین هزینه سرانه جاری استانی) ۰/۴ متوسط کشوری بوده است. در مقابل، متوسط سرانه تملک دارایی سرمایه‌ای (در بودجه استانی) برابر ۹۰ هزار تومان در سال ۱۳۹۷ بوده است که برای استان کهگیلویه و بویراحمد (بیش‌ترین سرانه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استانی) ۳/۹ برابر و برای استان تهران (کم‌ترین سرانه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای استانی) ۰/۲ متوسط کشوری بوده است. دلیل این‌که استان تهران کم‌ترین است کاملاً واضح است، چرا که دولت پروژه‌های ملی متعددی در تهران، اصفهان، و البرز هزینه کرده است. در مقابل، سرانه عوارضی (از محل مالیات ارزش افزوده میانگین) برابر ۲۰۴ هزار تومان داشته است که سرانه استان بوشهر با ۳ برابر و استان سیستان و بلوچستان با ۰/۳ نسبت به متوسط کشوری کم‌ترین بوده است. شایان ذکر است که واریانس توزیع عوارض بین استان‌ها حدود ۲/۳ برابر واریانس توزیع تملک دارایی سرمایه‌ای است که معیار مشخصی از ناعدالتی است.

از سوی دیگر، در توزیع استانی در قالب بودجه مشخص است که به سایر شاخص‌ها مانند محرومیت نیز توجه ویژه می‌شود. برای مثال، سرانه استان سیستان و بلوچستان در مقایسه با سرانه کشوری در منابع بودجه حدود ۰/۹ است، در حالی که همین شاخص برای سهم عوارض ۰/۳ است. مثال دیگر استان لرستان است که دقیقاً برابر متوسط کشوری به صورت سرانه از محل بودجه تخصیص می‌یابد، ولی در عوارض سهم این استان به صورت سرانه ۳۷ درصد متوسط کشوری است.

جدول ۸: سرانه بودجه‌های استانی به تفکیک عوارض، تملک، و جاری - ۱۳۹۷

استان	سرانه هزینه-جاری از محل بودجه (تومان)	سرانه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای از محل بودجه (تومان)	سرانه عوارض از محل ۳ درصد مالیات بر ارزش افزوده (تومان)
آذربایجان شرقی	۱۱۲/۴۵۶	۵۱/۷۲۲	۱۲۹/۳۲۴
آذربایجان غربی	۱۲۴/۹۲۰	۱۱۳/۸۹۳	۶۲/۶۲۲
اردبیل	۲۰۳/۱۸۱	۱۳۲/۸۱۷	۷۶/۱۸۳
اصفهان	۱۰۶/۲۰۳	۳۷/۲۵۳	۲۳۳/۵۵۰
البرز	۸۲/۲۰۳	۲۳/۲۸۲	۱۵۳/۲۵۲
ایلام	۳۸۲/۴۵۵	۲۸۰/۸۳۴	۹۶/۱۷۶
بوشهر	۲۲۵/۹۰۲	۳۲۳/۴۰۶	۶۱۷/۶۰۳
تهران	۵۲/۶۲۷	۱۴/۳۴۲	۴۴۳/۸۷۳
چهارمحال و بختیاری	۲۳۳/۰۳۶	۹۰/۲۶۱	۹۷/۶۰۷
خراسان جنوبی	۳۱۹/۳۸۹	۲۲۰/۴۷۹	۱۲۸/۶۰۷
خراسان رضوی	۹۷/۶۱۳	۶۰/۰۲۳	۹۷/۱۴۹
خراسان شمالی	۲۳۵/۷۱۵	۱۲۸/۳۸۵	۹۲/۲۹۷
خوزستان	۱۲۲/۹۴۷	۲۵۸/۰۰۲	۳۴۱/۱۱۸
زنجان	۲۰۸/۴۰۴	۱۰۱/۷۰۱	۱۹۴/۴۵۹
سمنان	۳۲۲/۵۷۶	۱۲۴/۰۱۵	۱۹۷/۱۱۳
سیستان و بلوچستان	۱۳۶/۷۵۹	۱۲۹/۹۷۸	۵۴/۳۸۵
فارس	۱۳۳/۱۸۴	۸۰/۱۱۳	۱۰۰/۷۸۷
قزوین	۱۶۴/۵۱۶	۶۶/۷۷۱	۱۷۷/۸۷۱
قم	۱۳۷/۷۷۶	۶۶/۰۱۳	۹۵/۲۱۱
کردستان	۱۸۷/۸۶۲	۱۵۶/۸۹۱	۸۳/۴۰۶
کرمان	۱۶۳/۳۷۰	۱۱۵/۲۶۰	۲۷۶/۳۷۱
کرمانشاه	۱۹۸/۰۵۶	۱۱۸/۲۱۴	۸۶/۸۴۶
کهگیلویه و بویراحمد	۳۰۲/۶۶۴	۳۵۵/۲۱۴	۱۶۲/۶۲۰
گلستان	۱۸۰/۱۶۱	۷۰/۳۴۷	۶۲/۲۵۷

ادامه جدول ۸: سرانه بودجه‌های استانی به تفکیک عوارض، تملک، و جاری- ۱۳۹۷

استان	سرانه هزینه-جاری از محل بودجه (تومان)	سرانه تملک دارایی‌های سرمایه‌ای از محل بودجه (تومان)	سرانه عوارض از محل ۳ درصد مالیات بر ارزش افزوده (تومان)
گیلان	۱۷۷/۵۸۵	۵۱/۷۰۶	۹۲/۲۷۵
لرستان	۱۸۲/۰۹۰	۱۱۵/۹۴۹	۶۰/۵۹۷
مازندران	۱۷۰/۰۵۷	۵۷/۱۷۰	۸۸/۴۴۱
مرکزی	۱۷۳/۴۳۶	۷۴/۷۰۴	۳۱۱/۰۸۹
هرمزگان	۹۸۵/۱۶۷	۱۹۴/۱۴۹	۳۱۹/۱۰۷
همدان	۱۶۰/۴۰۰	۶۵/۹۶۸	۸۴/۵۴۹
یزد	۲۱۸/۲۰۸	۹۶/۸۱۷	۲۸۹/۵۳۹
میانگین کشوری	۱۳۷/۵۷۱	۹۰/۱۵۷	۲۰۴/۴۸۶

منبع: داده سرانه بودجه از جدول (۱۰) قانون بودجه سال ۱۳۹۹، یافته‌های پژوهش

روش آماری و تحلیل نتایج

در بخش‌های قبل با استفاده از آمار و اطلاعات، نابرابری توزیع عوارض ارزش افزوده در سطح استانی، شهرستانی (درون‌استانی)، و شهری و روستایی به تفصیل توضیح داده شد. در این بخش نیز با استفاده از شاخص ضریب جینی به این امر پرداخته می‌شود که تاییدکننده بخش‌های پیشین است. مطابق **جدول (۹)**، در سال ۱۳۹۵، شاخص ضریب جینی توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده در سطح استان‌های کشور ۰/۶۴ است که حاکی از مقدار به نسبت بالایی است.^۱ بالا بودن ضریب جینی توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده نشان از نابرابری توزیع این نوع عوارض در سطح کشور (استان‌های مختلف) دارد. اما در سال ۱۳۹۶، با توجه به تغییر قانون توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده، مقدار ضریب جینی توزیع عوارض بهبود اندکی داشته و به مقدار ۰/۶۱ رسیده است. سال ۱۳۹۷ تغییرات محسوسی نسبت به سال ۱۳۹۶ نداشته است. اما در سال ۱۳۹۸، با وجود عدم تغییر در قانون توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده، دوباره توزیع عوارض ارزش افزوده در سطح استان‌ها بدتر شده و مقدار ضریب جینی آن ۰/۶۷ بوده است.

۱. نتایج استان‌های بوشهر و خوزستان در سال ۱۳۹۵ به دلیل ناقصی اطلاعات فاقد اعتبار هستند.

چگونگی توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده در بین جمعیت شهری و روستایی در سطح کشور نیز با نابرابری‌هایی روبه‌رو بوده است. در سال ۱۳۹۵، ضریب جینی توزیع عوارض مناطق شهری مقدار ۰/۶۹ بوده است که از نابرابری بالای توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده در مناطق شهری استان‌های کشور حکایت دارد. ضریب جینی توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده در سطح روستاها و مناطق روستایی کشور ۰/۴۱ بوده که هرچند نسبت به مناطق شهری وضعیت بهتری داشته است، ولی باز مقدار معناداری بوده است. اما در سال ۱۳۹۶، ضریب جینی مناطق شهری با بهبود جزئی به مقدار ۰/۶۲ رسیده است، ولی ضریب جینی مناطق روستایی نسبت به سال قبل وضعیت بدتری پیدا کرده و به مقدار ۰/۶۱ رسیده است. در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ تغییرات محسوسی نداشته و همواره بالای ۰/۶۰ و ۰/۵۰ بوده است. پس می‌توان بیان نمود که مقدار ضریب جینی بالای توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده در سطح استانی و نیز شهری و روستایی گویای توزیع نابرابر عوارض مالیات بر ارزش افزوده در طی بازه ۱۳۹۵-۱۳۹۸ است.

جدول ۹: ضریب جینی توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده در سطح استان و بر اساس جمعیت شهری و روستایی

سال	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸
سطح شهری روستایی کل	۰/۴۱۲۶۲	۰/۶۰۸۷۵	۰/۵۱۵۵	۰/۵۸۰۷۹
کشور	۰/۶۴۰۶۴	۰/۶۱۵۴۶	۰/۶۵۲۲۱	۰/۶۷۰۵۲

همچنین، می‌توان ضریب جینی توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده بین شهرستان‌ها (درون استانی) را تحلیل کرد.^۱ در حالت کلی، مقادیر ضریب جینی توزیع عوارض ارزش افزوده در سطح شهرستان‌های مختلف در سال ۱۳۹۵ بالا بوده است. شهرستان‌های استان تهران با ضریب توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده ۰/۸۶ بالاترین مقدار را داشته‌اند که این مقدار بیانگر ناعادلانه‌تر بودن توزیع بین شهرستانی در استان تهران نسبت به استان‌های دیگر کشور است. همچنین، توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده بین شهرستانی استان قزوین با مقدار ۰/۴۰ وضعیت نسبی بهتری نسبت به سایر استان‌های دیگر داشته است. اما در سال ۱۳۹۶، متناسب با تغییر قانون توزیع عوارض از حیثه

۱. این جدول در صورت درخواست از نویسنده مسئول، همراه با سایر جداول مورد اشاره در متن، در اختیار خواننده قرار خواهد گرفت.

هر شهرستان به استان، توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده نسبت به سال ۱۳۹۵ وضعیت نسبی بهتری پیدا کرده، به طوری که ضریب جینی عوارض بر مالیات بر ارزش افزوده کل شهرستان‌های کشور (۴۲۹ شهرستان) از ۰/۸۲ به ۰/۷۲ تغییر پیدا کرده است. توزیع عوارض بین شهرستانی در استان بوشهر با مقدار ضریب جینی ۰/۳۳ توزیع عادلانه‌تری نسبت به سایر استان‌های کشور داشته است. بیش‌ترین مقدار ضریب جینی توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده بین شهرستانی مربوط به استان خراسان رضوی با مقدار ۰/۶۵ بوده است. در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ مقدار ضریب جینی توزیع عوارض در استان‌های کشور به غیر از استان تهران تقریباً ثابت بوده و تغییرات محسوسی نسبت به سال ۱۳۹۶ نداشته است. توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده در سطح مناطق شهری و روستایی در شهرستان‌های مختلف به صورت نابرابر و ناعادلانه‌ای بوده و متناسب با آن مقدار ضریب جینی نسبتاً بالایی داشته است. در سال ۱۳۹۵، ناعادلانه‌ترین توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده در مناطق شهری، در شهرستان‌های استان تهران با مقدار ضریب جینی ۰/۸۷ بوده است. همچنین، مناطق روستایی شهرستان‌های استان سمنان نسبت به سایر مناطق کشور با مقدار ضریب جینی ۰/۲۳ توزیع عادلانه‌تری داشته‌اند.

اما در سال ۱۳۹۶، با توجه به تغییر اساسی در توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده که هم شامل تغییر حیطه شهرستان به استان و هم نحوه توزیع در بافت جمعیت شهری و روستایی است، توزیع عوارض در بین مناطق شهری و روستایی با تغییرات محسوسی همراه بوده است که معمولاً مناطق روستایی استان‌هایی که دارای بافت جمعیت شهری غالب بوده‌اند، همانند تهران و خراسان رضوی، وضعیت بهتری نسبت به سال ۱۳۹۵ داشته‌اند؛ به طوری که ضریب جینی مناطق روستایی شهرستان‌های استان تهران از ۰/۵۶ به ۰/۳۹ کاهش پیدا کرده است. همان‌طور که بیان گردید، در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ ضریب جینی توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده تنها در شهرستان‌های استان تهران تغییرات محسوسی داشته و افزایش پیدا کرده است، که این تغییرات به دلیل تغییر مجدد قانون توزیع در شهر تهران و شهرستان‌ها متناسب با بافت جمعیتی تهران از قانون ۷۰-۳۰ درصد شهری و روستایی به ۸۸-۱۲ درصد شهری و روستایی بوده است که به افزایش توزیع ناعادلانه مالیات بر ارزش افزوده در مناطق روستایی منجر گردیده است.

حال پرسش اساسی آن است که اثرات توزیع نامتوازن مالیات ارزش افزوده بر اقتصاد استان چگونه است. با توجه به داده تابلویی که در این پژوهش در اختیار است، به این پرسش پاسخ می‌دهیم. معادله تصریح مورد علاقه ما در پژوهش حاضر به صورت زیر است:

$$y_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 x_{it} + \alpha_i + \alpha_t + \varepsilon_{it}$$

در این تصریح α_i متغیر ثابت استان و α_t متغیر ثابت سال است که به صورت متغیرهای مجازی تعریف شده‌اند. واحد مشاهده ما در این تصریح استان است، پس i برابر استان است. تمام اثرات ثابت استانی از جمله جمعیت استان، سطح سواد، و بیکاری و سایر متغیرهای مربوطه را که در طول چهار سال داده ما تغییرات اندکی داشته‌اند پوشش می‌دهد. y_{it} متغیر مورد علاقه ماست که می‌خواهیم اثر عوارض ارزش افزوده را روی آن بسنجیم. متغیر لگاریتم ارزش افزوده توزیعی در استان و همچنین سایر متغیرهای استان در x_{it} آمده است.

اولین تصریحی که مطالعه شد، لگاریتم تولید ناخالص داخلی به عنوان y_{it} بود. جالب آن که در این تصریح مشاهده شد که مالیات ارزش افزوده توزیعی در استان و همچنین بین روستا و شهر تقریباً اثری بر تولید ناخالص داخلی استان ندارد. توجه به این نکته ضروری است که متغیر عوارض استانی بر اساس توضیحی که در بخش قبل داده شد، می‌توان فرض کرد به صورت برون‌زا تغییر کرده است. پس در این تحلیل تگرانی از درون‌زایی متغیر مالیات بر ارزش افزوده وجود ندارد. در عین حال، انتظار ما آن است که افزایش عوارض توزیعی در استان موجب افزایش تولید ناخالص داخلی استان شود. این اثر مثبت به دست می‌آید، ولی همان‌طور که توضیح داده شد، معنادار نیست. دلیل اصلی این نتیجه احتمال آن است که تعداد مشاهده‌های درون‌زمانی صرفاً ۳۱ استان است.^۱

دومین تصریح مورد علاقه آن است که آیا افزایش عوارض ارزش افزوده در یک استان بر نابرابری درآمدی در استان تاثیر می‌گذارد. نظریه اقتصادی بیان می‌کند اگر عوارض ارزش افزوده، که در اختیار استان قرار می‌گیرد، بیش‌تر باشد، باید نابرابری درآمدی درون‌استانی کاهش یابد. پس انتظار ضریب منفی در این تصریح وجود دارد. با توجه به آن‌که نشان داده شد سرانه توزیع عوارض ارزش افزوده بسیار ناعادلانه بین استان‌ها انجام می‌شود، اگر ضریب منفی مورد انتظار به دست آید، به این معناست که توزیع ناعادلانه عوارض باعث افزایش نابرابری درآمدی خواهد شد و ضریب جینی را افزایش خواهد داد. **جدول (۱۰)**، نتایج تصریح مورد نظر را گزارش کرده است:

۱. نتایج این تصریح در صورت درخواست از نویسنده مسئول در اختیار خواننده قرار خواهد گرفت.

جدول ۱۰: اثر عوارض ارزش افزوده استان بر ضریب جینی استان

	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)
	جینی استانی	جینی شهری	جینی روستایی	جینی روستایی	جینی روستایی	جینی روستایی
لگاریتم عوارض	-۰/۰۵۶۳*	-۰/۰۵۹۹*	۰/۱۱۳	۰/۰۸۰۱	-۰/۰۸۵۳	-۰/۰۸۶۹
	(-۲/۰۰۴)	(-۲/۰۳۸)	(۰/۴۸۵)	(۰/۲۹۹)	(-۱/۴۵۲)	(-۱/۴۵۱)
لگاریتم تولید استانی	۰/۲۹۷	۰/۲۹۷	۵/۱۲۶	۵/۱۲۶	۵/۱۲۶	۵/۱۲۶
	(۱/۴۸۹)	(۱/۴۸۹)	(۱/۰۹۷)	(۱/۰۹۷)	(۱/۰۹۷)	(۱/۰۹۷)
ثابت	۰/۹۷۳	-۸/۱۴۹	-۳/۲۴۸	-۱۶۱/۴	۱/۲۹۸	-۱/۷۱۸
	(۱/۳۴۸)	(-۱/۳۶۵)	(-۰/۵۳۹)	(-۱/۰۸۹)	(۰/۸۹۸)	(-۰/۱۳۴)
اثر ثابت استان	Y	Y	Y	Y	Y	Y
اثر ثابت سال	Y	Y	Y	Y	Y	Y
مشاهده	۱۲۴	۱۲۴	۱۲۴	۱۲۴	۱۲۴	۱۲۴
R2	۰/۷۳۴	۰/۷۵۰	۰/۰۲۷	۰/۱۰۱	۰/۵۷۱	۰/۵۷۲

یادداشت: * در ۱۰ درصد معنادار است. خطاهای استاندارد در سطح استان خوشه‌بندی شده است و جملات خطا روبات است. اثرات ثابت استان و سال در تمام تصریحات کنترل شده است. متغیر وابسته لگاریتم ضریب جینی در سطح استان تصریح (۱) و (۲) و شهری استان (۳) و (۴) و روستایی هر استان (۵) و (۶) است.

علی‌رغم تعداد بسیار محدود مشاهده‌ها (۳۱ استان و ۴ سال)، مشاهده می‌شود که ضرایب عوارض استانی بر نابرابری درآمدی در استان معنادار است. هر درصد افزایش عوارض در سطح استان باعث می‌شود که ضریب جینی درآمدی در استان ۰/۰۵۶ درصد کاهش یابد. این اثر بسیار بزرگ و معنادار است. برای مطالعه مسیر اثرگذار تصریح مشابه برای عوارض شهری (روستایی) و ضریب جینی شهری (روستایی) هر استان هم مطالعه شده است. به نظر می‌رسد که اثر غالب کاهش نابرابری از مسیر عوارضی است که در سطح روستاهای استان توزیع شده است. دلیل هم آن است که منابع عوارض که در اختیار روستاها قرار بگیرد، احتمالاً دسترسی روستاییان به بازار را تسهیل می‌کند و آنان می‌توانند محصولات کشاورزی خود را در بازار به فروش برسانند. برای مطالعه آثار علی لازم است که داده‌های خردتر تحلیل شوند، که فراتر از پژوهش حاضر است.

بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش با هدف بررسی آثار سیاست‌های بودجه‌ای دولت که از طریق درآمدهای انتقالی به دولت‌های محلی (شهرداری‌ها) بر متغیرهای اقتصادی مناطق مختلف تاثیر می‌گذارند، اثر قواعد مختلف توزیع عوارض ارزش‌افزوده در طی بازه ۱۳۹۵-۱۳۹۸ بر نابرابری و عدم توازن منطقه‌ای مورد بررسی قرار گرفت. لازم به یادآوری است که نحوه توزیع عوارض در سالیان مختلف هم در قوانین دائمی و هم در قوانین بودجه سنواتی همواره دستخوش تغییر شده است. این پژوهش با استفاده از داده‌های توزیع عوارض بین شهرستان‌ها (سامانه توزیع عوارض سازمان امور مالیاتی) نتیجه می‌گیرد که ضریب جینی توزیع عوارض مالیات بر ارزش‌افزوده در سطح استانی در سال ۱۳۹۵ ۰/۶۴ بوده که با تغییر قانون توزیع در سال ۱۳۹۶ با اندکی بهبود به ۰/۶۱ رسیده است. سال ۱۳۹۷ تغییرات محسوسی نسبت به سال ۱۳۹۶ نداشته، اما سال ۱۳۹۸ با توزیع ناعادلانه‌تر عوارض مالیات بر ارزش‌افزوده مواجه بوده‌ایم، به طوری که ضریب جینی توزیع آن با اندکی افزایش به ۰/۶۷ رسیده است.

در بخش منابع، در ابتدا توجه به این نکته ضروری است که تبدیل سهم شهرداری‌ها از عوارض شهری به سهمی از مالیات بر ارزش‌افزوده بر اساس محاسبات نسبت عوارض در میانه دهه ۱۳۸۰ از کل ارزش‌افزوده بود. پس بر اساس محاسبات آن زمان حدود ۱ درصد از مالیات ارزش‌افزوده معادل سهم عوارضی بود که شهرداری‌ها از کالا اخذ می‌کردند. بر اساس این، افزایش سهم شهرداری‌ها به صورت نسبی از کل مالیات ارزش‌افزوده غیرمنطقی و صرفاً باعث بزرگ شدن سهم شهرداری‌ها و افزایش کسری بودجه دولت می‌شود. بنابراین، برخلاف آن که در قانون اخیر مالیات بر ارزش‌افزوده سال ۱۴۰۰ تصویب شده است، پیشنهاد می‌شود سهم عوارض بر ارزش‌افزوده به همان ۳ درصد قانون برنامه ششم کاهش یابد.

بر بخش مصارف که عمده تمرکز این پژوهش بوده است، پس از مرور تجربه جهانی و تجربه کشور ایران با تمرکز بر نابرابری در توزیع، پیشنهادهای زیر به منظور بهبود سازوکار تخصیص عوارض به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها ارائه می‌گردد:

تامین بر خورداری از حداقل خدمات موضوع شهرداری‌ها و دهیاری‌ها: حوزه عمل شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در ایران مشخص است و حیطه‌های پرهزینه‌ای مانند آموزش و پرورش، بهداشت، و امنیت خارج از حیطه عمل آن‌ها قرار می‌گیرند. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه تنها بخشی از درآمدهای انتقالی از دولت مرکزی به دولت‌های محلی به صورت بدون قید و شرط تحت برنامه اشتراک درآمد عمومی به منظور تامین مالی بودجه آن‌ها در اختیارشان

قرار می‌گیرد. بخش عمده درآمدهای انتقالی با سازوکارها و قواعد مختلف به‌گونه‌ای پرداخت می‌شوند که هزینه لازم برای ارائه خدمات اولیه در حیطه عمل دولت محلی (در این‌جا شهرداری‌ها و دهیاری‌ها) تامین گردد. در شیوه توزیعی که در ایران رایج است، شاخص‌های برخورداری از خدمات و زیرساخت‌های شهری و روستایی (مانند وضعیت زیرساخت‌های ارتباطی، خدمات بازیافت، حمل‌ونقل عمومی و ...) هیچ تاثیری بر میزان پرداختی به شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور ندارد. در واقع، توزیع بودجه به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها از نیازهای حتی اولیه شهرها و روستاها در حوزه خدمات شهری مستقل است. علاوه بر این، بر هزینه‌کرد شهرداری‌ها و دهیاری‌ها به منظور تحقق بهره‌مندی از حداقل خدمات، محدودیت و قیدی وجود ندارد. این در حالی است که در بسیاری از کشورها پرداخت‌های دولت مرکزی به شهرداری‌ها، آن‌ها را مکلف به هزینه‌کرد در حوزه‌های مشخص یا تحقق اهداف مشخص می‌نماید. قاعدتاً باید بین مناطق مختلف (کلان‌شهرها، شهرهای کوچک، روستاها، و ...) تفاوت‌هایی در تعریف حداقل خدمات وجود داشته باشد. در روستاها مسئله حمل‌ونقل عمومی موضوعیتی ندارد، ولی برای کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ واجد اولویت بالایی است. از سوی دیگر، در بسیاری از روستاها مشکل بهسازی شبکه‌های معابر جدی است، در حالی که در شهرهای بزرگ و کلان‌شهرها این مشکل بسیار محدودتر است. در کشوری با تنوع اقلیمی و جغرافیایی مانند ایران مشکل پسماند در شهرهای ساحلی، جنگلی، روستاها، کلان‌شهرها، کویر، حاشیه رودخانه‌ها و ... تفاوت‌هایی دارد که در تعریف حداقل خدمات باید لحاظ شود.

معکوس ظرفیت مالی سرانه: برنامه اشتراک درآمد مالیاتی بین دولت و شهرداری‌ها و دهیاری‌ها در ایران تنها در حیطه مالیات بر ارزش‌افزوده صورت می‌گیرد. شایان ذکر است که برخلاف برخی از کشورها، شهرداری‌ها در تحقق درآمد موضوع انتقال (در این‌جا مالیات بر ارزش‌افزوده) به صورت مستقیم هیچ نقشی بر عهده ندارند و این موضوع به‌طور بالقوه می‌تواند آثار سوء انگیزشی داشته باشد. منظور از ظرفیت مالی میزان درآمد داخلی بالقوه قابل تحقق توسط دولت‌های محلی (در این‌جا شهرداری‌ها و دهیاری‌ها) است. علاوه بر تامین حداقل خدمات، معکوس ظرفیت مالی سرانه یکی دیگر از شاخص‌های اصلی مورد استفاده در تجربه جهانی برای توزیع درآمدها بین مناطق مختلف است. در صورتی که برآوردی از امکانات شهرداری‌ها و دهیاری‌های سراسر کشور برای تجهیز منابع صورت گیرد، توزیع با توجه به این قاعده، می‌تواند از آثار سوء انگیزشی برای تجهیز منابع توسط دولت‌های محلی بکاهد. از طرف دیگر، این شاخص معیار مناسبی برای توانایی دولت‌های محلی برای تجهیز منابع و هزینه به‌ازای هر شهروند است. در صورتی که کمک‌های دولت مرکزی به بهبود این

شاخص باری رساند، می‌تواند به توسعه عدالت توزیعی منجر شود. در کشورهای مختلف، بسته به نظام اطلاعاتی موجود، از روش‌های مختلفی برای برآورد این نسبت بهره گرفته می‌شود. عکس درآمد سرانه یکی از ساده‌ترین شاخص‌هایی است که می‌تواند به این منظور مورد استفاده قرار گیرد.

ارتباط با منابع بودجه‌ای تخصیصی به مناطق: در حال حاضر، هیچ ارتباطی بین درآمدهای انتقالی به شهرداری‌ها و دهیاری‌ها از محل قانون مالیات بر ارزش افزوده و سایر منابع بودجه‌ای تخصیص یافته به مناطق وجود ندارد. در اختصاص این منابع، به منظور توزیع عادلانه‌تر، باید بین طرح‌های تملک سرمایه‌ای هر منطقه، و نیز مشارکت دولت از محل منابع بودجه عمومی برای سرمایه‌گذاری در طرح‌هایی که در حیطه مسئولیت‌های شهرداری‌ها و دهیاری‌ها قرار می‌گیرد، پیوند برقرار شود. در صورتی که منابعی به صورت بی‌قید و شرط در اختیار شهرداری‌ها و دهیاری‌ها قرار گیرد، و از طرف دیگر منابع بودجه عمومی نیز به صورت مستقل صرف امور مختلف در مناطق گردد، ممکن است در عمل به نابرابری توزیع منابع عمومی بین مناطق مختلف منجر شود.

نیاز به اشاره است که داده‌های این پژوهش منحصر به بخشی از سهم عوارض توزیعی بین شهرداری‌ها و دهیاری‌هاست که مستخرج از سازمان امور مالیاتی و سامانه توزیع عوارض تخصیص یافته است. پژوهش‌های تفضیلی در آینده که داده‌ها و اطلاعات بخش دیگری از عوارض توزیعی سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های وزارت کشور را مورد مطالعه قرار خواهند داد، یافته‌های پژوهش حاضر را تکمیل خواهند کرد.

اظهاریه قدردانی

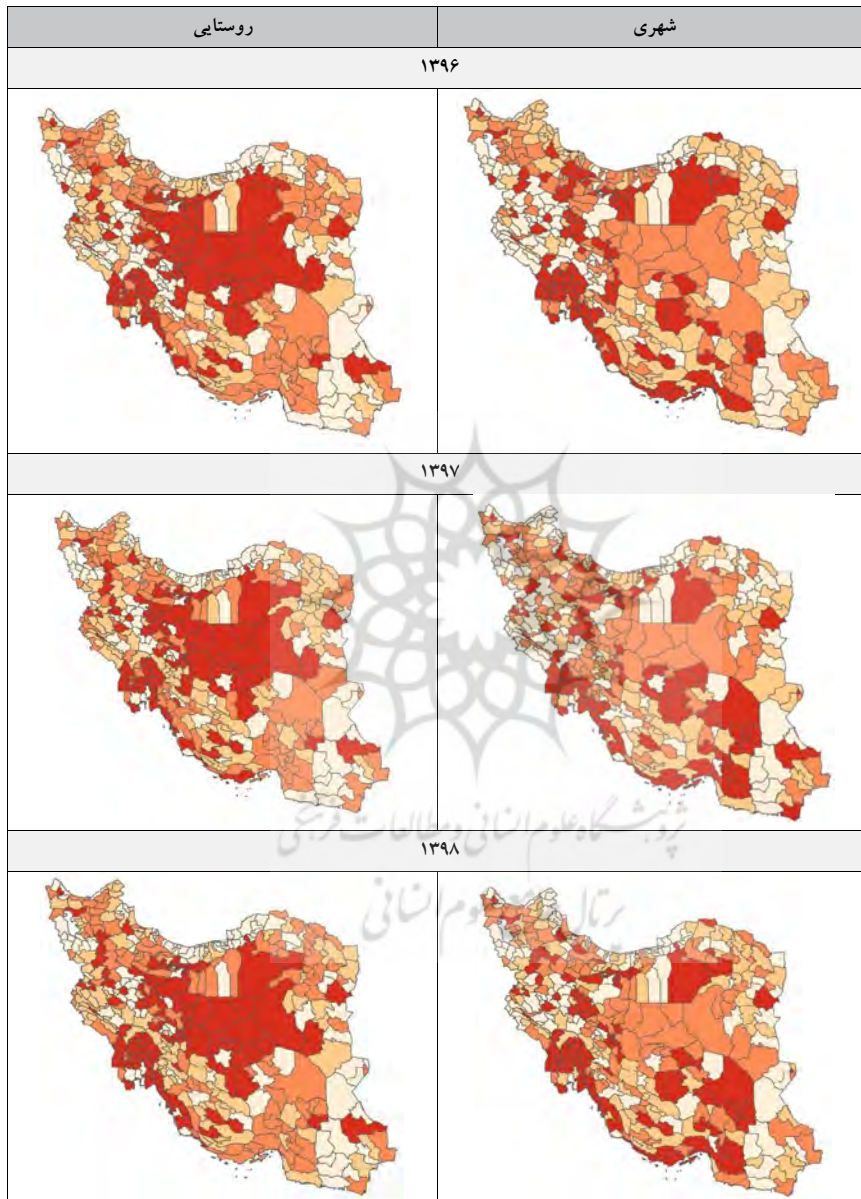
نویسندگان سپاسگزار سازمان امور مالیاتی و امور اقتصاد کلان سازمان برنامه و بودجه برای در دسترس قرار دادن داده‌ها و اطلاعات و فراهم کردن امکان انجام پژوهش هستند. همچنین، از داوران ناشناس و ویراستار علمی محترم نشریه (مازیار چابک) نیز که موجبات بهبود پژوهش را فراهم آوردند، قدردانی می‌شود.

منابع

الف) انگلیسی

Aragón, F. M., & Gayoso, V. J. (2005). Intergovernmental Transfers and Fiscal Effort in

- Peruvian Local Governments. Available at SSRN 773666. <https://doi.org/10.2139/ssrn.773666>
- Boadway, R. W., & Shah, A. (2007). *Intergovernmental Fiscal Transfers: Principles and Practices*: World Bank Publications.
- Boadway, R., & Shah, A. (2009). *Fiscal Federalism: Principles and Practice of Multiorder Governance*: Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511626883>
- Dilger, R. J. (2015). *Federal Grants to State and Local Governments: A Historical Perspective on Contemporary Issues*: Congressional Research Service.
- Junghum, K., & Jorgen, L. (2008). Measuring Local Government Expenditure Needs. *Korea Institute of Public Finance, Danish Ministry of Social Welfare, Copenhagen*.
- Kim, E., & Samudro, Y. N. (2017). The Impact of Intergovernmental Transfer Funds on Interregional Income Disparity in Indonesia. *International Journal of Urban Sciences*, 21(1), 22-40. <https://doi.org/10.1080/12265934.2016.1240626>
- Kitchen, H., McMillan, M., & Shah, A. (2019). *Local Public Finance and Economics: Theory and the Practice—Introduction and Overview*. In: *Local Public Finance and Economics*. Palgrave Macmillan. https://doi.org/10.1007/978-3-030-21986-4_1
- Raeispour, A., & Pajooyan, J. (2014). A Survey on Public Health Expenditure Investment Effects to Economic Growth & Productivity in Iran: A Regional Approach. *Planning and Budgeting*, 18(4), 43-68. <http://jpbud.ir/article-1-1116-fa.html>
- Shah, A. (1991). The New Fiscal Federalism in Brazil. *PRE Working Paper Series, No. 557*
- Shah, A. (1994). *The Reform of Intergovernmental Fiscal Relations in Developing and Emerging Market Economies*: World Bank Books. <https://doi.org/10.1596/0-8213-2836-0>
- Shah, A. (2006). *Local Governance in Developing Countries*: World Bank Publications.
- Shah, A. (2012). Autonomy with Equity and Accountability: Toward a More Transparent, Objective, Predictable and Simpler (TOPS) System of central Financing of Provincial-Local Expenditures in Indonesia. *World Bank Policy Research Working Paper*, No. 6004. <https://doi.org/10.1596/1813-9450-6004>
- Shah, A. (2014). Fiscal Federalism and Macroeconomic Governance: For Better or for Worse. *Annals of Economics and Finance*, 15(1), 243-282.
- Shah, A., Qibthiyah, R., & Dita, A. (2012). General Purpose Central-Provincial-Local Transfers (Dau) in Indonesia: From Gap Filling to Ensuring Fair Access to Essential Public Services for All. *World Bank Policy Research Working Paper*, No. 6075. <https://doi.org/10.1596/1813-9450-6075>
- Slack, E. (2007). *Managing the Coordination of Service Delivery in Metropolitan Cities: The Role of Metropolitan Governance*: World Bank Publications. <https://doi.org/10.1596/1813-9450-4317>
- Yarmohammadian, N., & Aghajani Memaar, E. (2014). Typology of Budgeting Transaction of Government to Municipalities (Local Government) in Iran. *Planning and Budgeting*, 19(2), 169-196. <http://jpbud.ir/article-1-1191-fa.html>
- Yeeles, A. (2015). Intergovernmental Fiscal Transfers and Geographical Disparities in Local Government Income in the Philippines. *Journal of Southeast Asian Economies*, 32(3), 390-401. <https://doi.org/10.1355/ae32-3f>



شکل ۱پ: پنجک‌های میانگین سرانه عوارض توزیعی به شهرستان‌های کشور به تفکیک شهری، روستایی، و کل (۱۳۹۵-۱۳۹۸)



نحوه ارجاع به مقاله:

فارغ‌بال خامنه، محمدامین؛ احمدی، خلیل، و رحمتی، محمدحسین (۱۴۰۱). بررسی نابرابری در توزیع عوارض مالیات بر ارزش افزوده و اثر آن بر ضریب جینی (۱۳۹۸-۱۳۹۵)، نشریه برنامه‌ریزی و بودجه (۲۷)، ۵۵-۹۱.

Fareghbal Khamene, M.A., Ahmadi, K., & Rahmati, M.H. (2022). Inequality of Intergovernmental Transfer of Value Added Taxes. *Planning and Budgeting*, 1(27), 55-91.

DOI: <https://doi.org/10.52547/jpbud.27.1.55>

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Planning and Budgeting. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

